

عليه السلام

پیاد حضرت مهدی

احمد قاضی زاہدی کلپاینگانی



جیاد
حضرت
مہدی

انتشارات معارف اسلامی

- عنوان : بیاد حضرت مهدی (ع)
نام نویسندہ : احمد قاضی زاہدی گلپایگانی
تیراژ : ۵۰۰۰ نسخہ
تحریر و تنظیم : سعید مشیر
چاپ اول : ۱۳۶۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِیْ دَوْلَةِ كَرِیْمَةٍ، تُعْزِبُنَا

اِلَّا سِلاَمًا وَّ اَهْلَهُ وَّ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَّ اَهْلَهُ .

پروردگارا ما آرزو داریم از تو ، در حکومتی قرار گیریم که
عزیز شود در آن حکومت اسلام و اهل اسلام و ذلیل و خوار
شود در آن نفاق و اهل آن - (دعای افتتاح)

آتش عشق تو در سینه نهفتن تا کسی

همه شب از غم هجر تو نخفتن تا کسی

طعنه ز اغیار تو ای یار شنیدن تا کسی

روی نادیده و اوصاف تو گفتن تا کسی

چهره بگشای که رخسار تو دیدن دارد

سخن از لعل تو ای دوست شنیدن دارد

فهرست کتاب

- ۱- پیش گفتار ۵
- ۲- مهدی کیست ؟ ۷
- ۳- بشارت آیات قرآنی درباره مهدی (ع) ۸
- ۴- احادیث وارد شده در موضوع ظهور مهدی (ع) ۱۵
- ۵- روایات درباره حضرت مهدی (ع) ۱۸
- ۶- نام بعض کتابهای اهل سنت ۱۹
- ۷- علائم آخرالزمان و ظهور مهدی (ع) ۲۲
- ۸- بشارات عهدین و کتابهای ادیان دیگر ۴۵
- پیرامون مهدی (ع) ۴۵
- ۹- اسامی حضرت مهدی در کتب مذهبی ۵۶
- ملل مختلف جهان ۵۶
- ۱۰- خصوصیات حضرت مهدی (ع) ۵۷
- ۱۱- حکومت جهانی بدست حضرت مهدی (ع) برپا می‌گردد ۶۰
- ۱۲- سیستم حکومت آنحضرت و تغییرات اساسی ۶۷
- ۱۳- معجزات ۷۳
- ۱۴- تذکرات لازم ۱۰۷
- ۱۵- اشعار ۱۱۲
- ۱۶- دعا ۱۱۲

پیش‌گفتار

در سال ۱۴۰۱ که توفیق یارم شد و توانستم مقالاتی در زمینه‌های مختلف برای مجله وزین اندیشه و قلم در رابطه با بررسی مطبوعات بنویسم نزدیک ماه شعبان فرا رسید و به تناسب آنکه میلاد با سعادت منجی عالم بشریت حضرت مهدی ارواحنا فداه در آن ماه واقع شده بنا شد مقاله‌ای را تحت عنوان (بیاد حضرت مهدی (ع)) بنویسم، اتفاقاً - هنگام نوشتن آن مقاله نوری در قلبم احساس کردم و کان منادی ندا می‌دهد چه خوبست جزوهای بیاد حضرت تنظیم و در دسترس همگان قرار دهی تا شاید نامت جزو عاشقان حضرتش ثبت گردد و از این راه به عاشقان و دوستارانش

۱- مرکز نقد و بررسی مطبوعات قم چند سالی است که بصورت‌های مختلف مطبوعات کشور را بررسی و لغزشها و خطاها اشتباهات را محترمانه گوشزد می‌کند، صندوق پستی ۳۱

خدمتی نموده باشی ، تصمیم گرفتم و از خداوند توفیق
خواستم که در این راه کمک نماید ، امید است این ارزش کم
مورد قبول واقع ، و اسم را در شمار شیفتگان واقعیش منظور
دارد . والسلام

حوزه علمیه قم - احمد قاضی زاهدی

رجب ۱۴۰۱

مهدی کیست؟

نام مبارك آنحضرت م ح م د فرزند امام حسن عسکری (ع) و کنیه اش ابوالقاسم ، در سامرا سحرگاه ۱۵ شعبان المعظم سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری از مادری پاکدامن بنام ترجس تولد یافت .

پنج سال در دامن تربیت پدر بزرگوارش بود ، در این مدت بیش از یکصد تن از افراد صالح خدمتش مشرف و از محضر پر فیضش استفاده کردند .

در سال ۲۶۰ که شهادت پدرش اتفاق افتاد بجای پدر به مقام والای امامت منصوب ، و بخاطر امر غیبی که خدا برای او در نظر گرفته از همان اول در غیبت بسر برد که غیبت صغری (باشد و بوسیله چهار نایب خواص به ترتیب عثمان بن سعید و محمد بن عثمان ، حسین بن روح و علی بن محمد سیمری با مردم ارتباط داشت و پس از خاتمه این مدت

که ۶۹ سال ادامه داشت غیبت صغری پایان یافت و توقیعی به علی بن محمد سیمری رسید مشعر بر آنکه مأذون نیستی دیگر کسی را نایب خود قرار دهی و اعلان اینجهت که غیبت کبری پیش آمده و دستور اکید صادر فرمود که مردم را از این پس به علماء و راویان احادیث ارجاع ده البته هنوز غیبت کبری ادامه دارد تا روزی که خدا بخواهد و بیاید و جهان پر از ظلم و ستم را پر از عدل و داد نماید .

بشارت قرآن در باره مهدی علیه السلام

الم ، ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب (۱) - این کتاب (قرآن) شکی نیست در او ، هدایت کننده پرهیزگاران است ، آنها که ایمان بغیب دارند .

در (معانی) از امام صادق علیه السلام در باره "الذین يؤمنون بالغیب" نقل شده که فرمود : آنها کسانی هستند که ایمان بحقانیت قیام قائم دارند . (۲)

۱- سوره بقره (۲) آیه ۱ - ۳

۲- تفسیر المیزان ، جلد ۱

و نريد أن نمُنَّ على الذين استضعفوا في الارض و
 نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين (۱) - و اراده کردیم منت
 گذاریم بر آنان که ضعیف داشته شده بودند در زمین و
 بگردانیمشان پیشوایان و بگردانیم ایشان را وارثان *

شیخ طوسی مسنداً از امیرالمؤمنین علیه السلام در
 تأویل آیه فوق روایت کرده که فرمود: کسانی که ضعیف شده‌اند
 در روی زمین آل محمد اند و خداوند مهدی ایشان را مبعوث
 می‌کند، پس ایشان را عزیز می‌گرداند و دشمنانشان را ذلیل (۲)
 اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها (۳) - بدانید
 همانا خداوند زنده می‌گرداند زمین را بعد از موتش *

شیخ طوسی در کتاب الغیبه با اسناد روایت کرده از
 ابن عباس، یعنی خدا با قائم آل محمد علیهم السلام زمین
 را بعد از مردنش یعنی بعد از ظلم به اهالی مملکتها احیا
 می‌کند و زنده می‌گرداند * (۴)

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم
 في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم
 الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امناً يعبدونني

۱- سوره قصص (۲۸) آیه ۴

۲- بحار الانوار، جلد ۱۳

۳- سوره الحديد (۵۷) آیه ۱۶

۴- بحار الانوار، جلد ۱۳

لا یشرکون بی شیئا • (۱)

وعدہ کردہ خدا آنان را کہ گرویدند از شما و عمل شایسته انجام دادند هر آینه خلیفہ خواهد کرد ایشانرا در زمین چنانکہ خلیفہ کرد آنان را کہ بودند پیش از ایشان و هر آینه متمکن خواهد کرد برای ایشان دینشان را کہ پسندید برای ایشان و هر آینه تبدیل خواهد کرد برای آنها بعد از خوفشان ایمنی ، پرستند مرا ، شریک ن سازند بمن چیزی را • در همان کتاب آمدہ کہ این آیه در شان مهدی است •

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظہرہ علی الذین کله ولو کره المشرکون • (۲)

خدا کسی است کہ فرستاد پیامبرش را با ہدایت و دین حق تا بر همه دین ها غالب شود هر چند کہ مشرکین نخواهند •

از تفسیر علی بن ابراہیم نقل شدہ این آیه نیز در بارہ حضرت قائم است و او امامی است کہ خداوند او را بر همه کیشها غالب گرداند و او زمین را از عدل و داد پر کند ہم چنانکہ از ظلم و ستم پر شدہ باشد •

نویسنده گوید :

۱- سوره نور (۲۴) آیه ۵۴

۲- سوره صف (۶۱) آیه ۹

در این آیه صراحت دارد که اسلام باید دنیا را بگیرد هر چند با مخالفت دیگران روبرو شود و تاکنون اسلام در — جهان بطور کلی مستقر نشده پس باید بگوئیم مردی آسمانی این کار را خواهد کرد .

أمن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض . (۱)

آن کیست که اجابت کند مضطر را در حالیکه او را بخواند ، آری او خداست و قطعاً بدی را از دعا کننده دور خواهد کرد و قرار می دهد شما را فرمانفرمایان زمین

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود : این آیه در باره قائم آل محمد است ، بخدا قسم (مضطر) اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند ، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را بر طرف و آنها را در زمین خلیفه خود گرداند . (۲)

و اخیری تحبونها نصر من الله و فتح قریب . (۳)
و دیگری که دوست می دارید یک پیروزی از جانب خدا و فتح نزدیکی است یعنی فتح قائم آل محمد در دنیا . (۴)

۱- سوره نمل (۲۷) آیه ۶۲

۲- بحار الانوار ، جلد ۱۳

۳- سوره صف (۶۱) آیه ۱۳

۴- بحار الانوار ، جلد ۱۳

ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها
عباد الصالحون . (۱)

در زبور (حضرت داود پیامبر) بعد از کتب آسمانی
سابق نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما پارت ببرند، و اینان
قائم آل محمد و یاران او می باشند .

علی بن ابراهیم (ذکر) را تمام کتب آسمانی می داند و
بنابر این معنی آیه این است که قبل از زبور نیز در کتب
آسمانی نوشتیم ، مفسرین دیگر گفته اند ذکر ، تورات است و
گفته شده که زبور نوع کتب آسمانی و ذکر لوح محفوظ است (۲)
هل اتیک حدیث الغاشیه . (۳)

آیا داستان آن فروگیرنده بتو رسیده است .
شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از محمد بن سلیمان
از پدرش روایت کرده که گفت از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدم : هل اتیک حدیث الغاشیه یعنی چه ؟ فرمود :
مقصود قائم ما است که اهل باطل را با شمشیر فرو می گیرد ،
گفتم : وجوه یومئذ خاشعه (صورت های آنها در آن روز –
وحشتناک است) یعنی چه ؟ فرمود : از ترس قدرت او گریز

۱- سوره انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵

۲- بحار الانوار ، جلد ۱۳

۳- سوره غاشیه (۸۸) آیه ۱

ندارند ، گفتم : عامله ناصبه (عمل کننده رنج دیده) چیست ؟ فرمود : آنها برخلاف دستور خدا عمل می کنند و والیان جور منصوب دارند ، گفتم : تعلق نارا حامیه (در آتش سوزنده بیفتند) یعنی چه ؟ فرمود : به روزگار قائم ما در آتش جنگ بسوزند و در سرای دیگر بدوزخ درافتند . (۱)

یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن
آمنت من قبل . (۲)

روزی که فرا رسد بعض از آیات پروردگار ایمان کسانی که قبلاً ایمان نیاورد مانند سودی نبخشد .

شیخ صدوق (ره) در کمال الدین و ثواب الاعمال از حضرت صادق علیه السلام روایت نمود که فرمود : آیات ائمه هستند و بعض آیات قائم آل محمد است . (۳)

قل ارأیتم ان اصبح ما وکم غورا فمن یاتیکما بماء معین (۴)

پیامبر ب مردم بگو آیا نمی بینید اگر آبی که در دسترس دارید، در زمین فرورود کیست که آن آب روان را باز میگرداند؟

شیخ صدوق در کمال الدین از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود : مراد از این آیه قائم آل محمد

۱- بحار الانوار، جلد ۱۳

۲- سوره انعام (۶) آیه (۱۵۸)

۳- بحار الانوار، جلد ۱۳

۴- سوره تبارک آیه (۳۰)

است و معنی آیه این است که : اگر ببینید امام شما غائب شود و نمی دانید کجاست ؟ کیست که او را ظاهر گرداند تا اخبار آسمانها و زمین و حلال و حرام خدا را به شما بدهد ؟ آنگاه فرمود : بخدا قسم تأویل این آیه هنوز نیامده و البته خواهد آمد . (۱)

نویسنده گوید :

در این آیه از امام زمان تعبیر به آب شده (که موجب حیات همه اشیا است) لولا الحجة لساحت الارض باهلها .
الذین ان مکنّاهم فی الارض أقاموا الصلوة وآتوا الزکوة
وأمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور . (۲)
آنهائی که اگر فرمانروائیشان دهیم در زمین بر پای دارند نماز را و بدهند زکوة را و فرمان رانند بخوبی و باز دارند از بدی ، و برای خداست فرجام کارها .

حضرت باقر علیه السلام فرمود : این آیه نازل شده است در باره مهدی (ع) و یاران آن حضرت که خداوند مشرقها و مغربهای زمین را به تصرف آنان درآورد و دین اسلام بدست آنان غالب شود بر تمامی ادیان و عدالت عالم را فراگیر شود بنحوی که اثری از ظلمها و بدعتها هرگز

۱- بحار الانوار ، جلد ۱۳

۲- سوره حج (۲۲) آیه ۴۲

دیده نشود . (۱)

وله اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها . (۲)
و برای خداست تسلیم شدن هر که در آسمانها و زمین
است به رغبت و از روی اکراه (یعنی چه بخواهند و چه
نخواهند .)

از رفاعة بن موسی روایت شده ، گفت شنیدم از حضرت
صادق علیه السلام که فرمود : در تفسیر این آیه ، حضرت
قائم ، هرگاه مهدی علیه السلام قیام کند مصداق آیه ظاهر
می شود زیرا آنوقت است که در زمین باقی نماند هیچ قریه و
بلد و مملکتی مگر آنکه در او ندا داده می شود و صداها بلند
می شود به " اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله " (۳)

احادیث وارده در موضوع ظهور مهدی (ع)

احادیث در موضوع ظهور حضرت مهدی علیه السلام
در کتب فریقین بسیار و در نهایت کثرت است ، شاید در
کثر مسئله‌ای از مسائل اسلامی کثرت روایات باین حد باشد

۱- کتاب المهدی - خندق آبادی

۲- سوره آل عمران (۳) آیه (۷۷)

۳- کتاب المهدی - صفحه (۸۸)

که بدیهی است ردّ یکد هم و بلکه یکدم این روایات خلاف ایمان و خلاف طریقه عقلاء در قبول و اعتماد باخبار ثقات است ، خصوصاً که قرائن و نشانه هائی در بعض این روایات است که قطع بصدور آنها حاصل می شود و شکی باقی نمی ماند ، اینک چند نمونه از روایاتی که اهل سنت و جماعت آورد هاند را می نویسم .

عقیده بزرگان اهل سنت :

سیدی در سبائك الذهب می گوید : آنچه علماء بر آن اتفاق دارند آن است که مهدی (ع) در پایان روزگار قیام فرماید و زمین را پر از عدل و داد کند و احادیث راجع باو و ظهورش بسیار است .

ابن ابی الحدید گوید : اتفاق جمیع مسلمین بر این است که دنیا و تکلیف بی پایان نمی رسد مگر بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام .

ابن خلدون در مقدمه می گوید : مشهور بین عموم مسلمین در تمام اعصار این است که در آخر الزمان مردی از اهل بیت ظاهر خواهد شد که دین را تأیید و عدل را آشکار فرماید و مسلمانان از او پیروی نمایند و بر ممالک اسلامی مستولی شود و نامش مهدی است .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : أنا سيد النبيين
وعلى سيد الوصيين و ان اوصيائي بعدى اثنا عشر أولهم علي
و آخرهم القائم المهدي (ع) . (۱)

پیامبر فرمود : من آقای انبیاء و علی آقای اوصیاء میباشد
و همانا اوصیاء من بعد از من دوازده نفرند اول آنها علی و
آخر آنها قائم مهدی می باشد .

قال رسول الله (ص) ، ان خلفائي و اوصيائي و حجج
الله على الخلق بعدى الاثنا عشر أولهم علي و آخرهم ولي
المهدى فينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلّى خلف المهدي
و تشرق الارض بنور ربها و يبلغ سلطانه المشرق والمغرب (۲)
پیامبر فرمود : بدرستی که خلفاء و اوصیاء من و حجج
های خدا بر خلق بعد از من دوازده نفرند اول آنها علی و
آخر آنها فرزندی من مهدی است ، پس می گردد عیسی بن
مریم روح الله ، پس نماز می گذارد پشت سر مهدی و روشن
می کند (مهدی) زمین را بنور خدا و می رساند سلطنت او را
بمشرق و مغرب .

۱- ینابیع الموده ، باب (۷۷)

۲- فرائد - شیخ الاسلام حموی

محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤل فی مناقب
آل الرسول در حق آنحضرت می گوید :

هو ابن ابی محمد العسکری و مولده بسامراء .

او فرزند ابی محمد امام حسن عسکری می باشد و محل
تولدش سامراء بوده .

ابو عبد الله فقیه محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب
البيان فی اخبار صاحب الزمان در آخر باب ۲۰ نوشته است :

ان المهدی ولد الحسن العسکری فهو حی موجود باق
منذ غیبه الی الآن ولا امتناع فی بقائه بدلیل بقاء عیسی و
الخضر و الیاس علیهم السلام .

بدرستی که مهدی فرزند حسن عسکری ، زنده و موجود
و باقیست ، غیبت او الی الان و امتناعی ندارد ، بقای او
بدلیل بقای عیسی و خضر و الیاس علیهم السلام .

شیخ الاسلام حموینی در فرائد السمطین از محدث فقیه
شافعی ابراهیم بن یعقوب کلابادی بخاری و خواجه کلان
شیخ سلیمان بلخی حنفی در ینابیع الموده از جابر بن عبدالله
انصاری نقل می نماید که رسول اکرم می فرمود :

من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد صلی

اللّه علیه و آله .

کسی که منکر شود خروج حضرت مهدی را محققاً کافر است به آنچه نازل گردیده بر محمد (ص) .

نام بعض کتابهای اهل سنت

بهر حال محدثین بزرگ اهل سنت که ذکر اسامی آنها و کتب و مصنفات ایشان در این جزوه سخن را طولانی می-سازد احادیث راجع بظهور حضرت مهدی (ع) را تخریج نمود و از جماعتی از صحابه مانند ، امیرالمؤمنین و حضرت امام حسین علیهم السلام و ابن عباس و ابن مسعود و ابوسعید خدری و حذیفه و ابو هریره و ابی لیلی و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک و عوف بن مالک و جابر انصاری و عدی بن حاتم و عبد الله بن عمرو و ام سلمه و عایشه و جمع کثیری از تابعین راجع بظهور آنحضرت روایات بسیاری نقل کرده اند و بعضی از آنها در این زمینه کتاب خاصی نوشته اند مانند:

۱- حافظ ابی نعیم اصفهانی صاحب کتاب (صفه المهدی و مناقب المهدی)

۲- گنجی شافعی ، صاحب کتاب (البیان فی اخبار

صاحب الزمان) .

- ٣- متقى هندی، صاحب كتاب (البرهان في علامات مهدي آخر الزمان) .
- ٤- سيوطي مؤلف (العرف الوردی في اخبار المهدي)
- ٥- ابن حجر نويسنده (القول المختصر في علامات المهدي المنتظر) .
- ٦- ابن طولون مؤلف (المهدي الى ما ورد في - المهدي) .
- ٧- جمال الدين يوسف بن يحيى دمشقي مؤلف كتاب (عقد الدرر في اخبار الامام المنتظر) .
- ٨- عباد بن يعقوب رواجني اسدي (اخبار المهدي)
- ٩- ابوبكر بن خيثمة (جمع الاحاديث الواردة في المهدي) .
- ١٠- سيد علامه بدرالمله محمد بن اسمعيل اميريمنى (رسالة في الاحاديث القاضية بخروج المهدي وانه ٠٠٠) .
- ١١- ابي بدر شيخ جمال الدين يوسف بن يحيى بن علي بن عبد العزيز بن علي مقدسي شافعي (عقد الدرر في اخبار الامام المنتظر) .
- ١٢- حافظ بن عقده (كتاب الغيبة)
- ١٣- احمد بن حجر هيثمي (القول المختصر في علامات مهدي المنتظر) .

نویسنده گوید :

کتاب چاپ شده پیرامون معرفی حضرت مهدی و شرح حال آنحضرت از شیعه و سنی زیاد است که بعضی بزرگان در کتابهای خود چهارصد کتاب از دانشمندان و نویسندگان شیعه و سنی نام برد هاند .



احادیث در زمینه علائم ظهور

صیحه در نیمه رضانی که اول آن شب جمعه باشد .
 ملاحم و فتن . نعیم بسند خود از رسول خدا روایت
 کرده که فرمود :

إذا كانت صیحه فی رمضان فانها تكون معمه فی
 الشوال و تمیر القبائل فی ذی القعدة و تسفک الدماء فی
 ذی الحجة و المحرم و ما المحرم یقولها ثلاثاً هیئات هیئات
 یقتل الناس فیها هرجا هرجا .

قال قلنا و ما الصیحة یا رسول الله (ص) ، قال : هذه
 فی النصف من رمضان یوم الجمعة ضحی و ذلك اذا وافق شهر
 رمضان لیلة الجمعة فتكون هذه توقظ النائم ، و تقعد القائم و تخرج
 العواتک من خدورهن فی لیلة جمعة ، فاذا صلیتم الفجر من
 یوم الجمعة فادخلوا بیوتکم و اغلقوا ابوابکم و سدوا اکواکم ، و
 دثروا انفسکم ، و سدوا آذانکم ، فاذا احسستم بالصیحة
 فخرّوا لله سجداً و قولوا : سبحان القدّوس ، ربنا القدّوس ،
 فانه من فعل ذلك نجی ، و من لم یفعل ذلك هلك .

لغت معمه بمعنای ، آواز دلیران در معرکه و کارزار

• کردن است

ترجمه :

زمانی که واقع شود صدائی در ماه رمضان ، پس همانا آن علامت است که در ماه شوال آواز دلیران در معرکه و کارزار کردن بلند شود ، و در ماه ذی القعدة فتنه و خون ریزی واقع شود ، و خونها در ماه ذی الحجه ریخته شود .
و محرم چه محرمی سه مرتبه تکرار فرمود ، چقدر دور است ، چه کشته شدنی ، چه کشته می‌شوند در آن جنگ و فتنه
چه کشته شدنی ، چه کشته شدنی .

راوی گفت :

عرض کردیم : صیحه کدام است یا رسول الله ؟ فرمود :
آن ندا (صیحه) در نیمه ماه رمضان است در روز جمعه وقت چاشتگاه و این واقع می‌شود در ماه رضائی که موافق باشد شب جمعه با اول آن ، پس این صدا واقع می‌شود بیدار می‌کند خوابیده را ، و می‌نشانند ایستاده را ، و بیرون می‌آورد دختران را از سرا پرده های خود ، در شب جمعه پس هرگاه نماز فجر را خواندید از روز جمعه پس داخل شوید خانه های خودتان ، و ببندید و قفل کنید و مسدود نمائید درها را و روزنه ها را ، و پنجره های خود را و به پیچید و حفظ کنید نفسهای خود را و بگیریید گوشهای خود را ، پس چون احساس صیحه کردید بسجده بیفتید برای خدا و بگوئید : سبحان القدوس ، ربنا القدوس ، پس کسی

که این کارها را بنماید نجات یابد و هر کس که نکند
هلاک شود . (۱)

بلند شدن صدایی در ماه رمضان که
هفتاد هزار نفر بیهوش و هفتاد هزار
نفر گریه می‌شوند

مجمع الزاید - جزو هفتم ، باب ما یكون من الفتن ص
۳۱۰ از پیامبر (ص) بسند خود روایت کرده که فرمود :
یکون فی رمضان صوت ، قالوا: یا رسول الله فی اوله
أو فی وسطه أو فی آخره ، قال: لا بل فی النصف من رمضان
إذا كانت لیلة النصف لیلة الجمعة یكون صوت من السماء
یصعق له سبعون الفأویصم سبعون الفأ ، قالوا: یا رسول
الله فمن السالم من امتك ، قال: من لزم بیته و تعوذ بالسجود
و جهر بالتکبیر لله ، ثم یتبعه صوت آخر فالصوت الاول صوت
جبرئیل والثانی صوت الشیطان فالصوت فی رمضان ،
والمعمعة فی شوال و یمیز القبائل فی ذی القعدة ویغار علی
الحاج فی ذی الحجة والمحرم و ما المحرم ، اوله بلاء علی
امتی و آخره فرج لامتی الراحلة بقببتها ینجو علیها المؤمن

خیر له من دسکرة تغل مائة الف . (۱)

ترجمه :

می باشد در ماه رمضان آوازی ، عرض کردند ای پیامبر

در اول آن یا وسط و یا آخر آن .

فرمود : نه بلکه در نیمه آن ماه ، زمانی که شب نیمه

شب جمعه باشد ، صدائی از آسمان بلند می شود که هفتاد

هزار نفر از ترس آن بیهوش و هفتاد هزار نفر گریه می شوند .

عرض کردند ، یا رسول الله پس از امت شما که باقی

می ماند ، فرمود : کسی که ملازم خانه اش باشد و پناه ببرد به

خدا بسجده کردن و صدای خود را به تکبیر بلند کند برای

خدا ، پس صدای اول صدای جبرئیل است و صدای دوم

از شیطان است ، پس صدا در ماه رمضان بلند شود ، و در

ماه شوال صدای اسلحه و گیر و دار سخت است و در ماه

ذی القعدة قبیله ها و دستجات از یکدیگر تمیز داده شوند

و در ماه ذی الحجه حاجیان غارت زده شوند و در ماه محرم

چه محرمی ، در اول آن بلا بر امت من روی دهد و در آخر

آن فرج است برای امت من در آنوقت مرکب سواری پالان

کرده که مؤمن بر آن سوار شود و نجات یابد بهتر است از

برای او از قصری که صد هزار دینار طلا قیمت آن باشد .

نویسنده گوید :

مؤید حدیث اول این حدیث است و چنانچه تقویم
ها نشان می‌دهد امسال (۱۴۰۱) اول ماه رمضان و نیمه
آن مصادف با شب جمعه است . اعاذنا الله من شرور
آخرالزمان . والله اعلم

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : يوشك اهل
العراق ان لا يجيئ اليهم قفيز ولا درهم ، قيل من اين قال
من قبل العجم يمنعون ذلك ، ثم قال : يوشك اهل الشام
ان لا يجيئ اليهم دينار ولا مدي ، قيل : من اين ذلك ، قال :
من قبل الروم ثم سكت هنيهة . (۱)

ترجمه :

فرمود نبی مکرم اسلام : نزد یکست که اهل عراق نیاید
ایشان را قفیزی و نه درهمی ، گفته شد یا رسول الله از طرف
کی ، فرمود : از طرف عجم منع می‌کنند آنرا ، پس فرمود :
نزدیک است که اهل شام نیاید بسوی ایشان دیناری و نه
مدی (مدی چهل و پنج رطل است) ، عرض شد : از کجا ،
فرمود : از طرف روم ، پس سکوت کمی نمود حضرتش .

خراب شدن بعض شهرها در
آخر الزمان

حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده

که فرمود :

ان مصر، امنت من الخراب حتى تخرب البصره ، ثم
ذكر رسول الله (ص) ان خراب البصره من العراق

و خراب مصر من جفاف النيل

و خراب مكة من الحبشه

و خراب المدینه من السيل

و خراب اليمن من الجراد

و خراب الأبله من الحصار

و خراب الفارس من الصعاليك من الديلم

و خراب الديلم من الارمن

و خراب الارمن من الجزر

و خراب الجزر من الترك

و خراب الترك من الصواعق

و خراب السند من الهند

و خراب الهند من الصين

و خراب الصين من الرمل

و خراب الحبشه من الرجفه

و خراب الزوراء من السفیانی
 و خراب الروحاء من الخسف
 و خراب العراق من القحط . (۱)
 ترجمه :

همانا مصر ایمن است از خراب شدن تا اینکه بصره
 خراب شود ، سپس یاد فرمود حضرت که ، خراب شدن
 بصره از عراق و خراب شدن مصر از خشک شدن رود نیل است
 و ویرانی مکه از حبشه است .
 و ویرانو، مدینه از سیل است .
 و ویرانی یمن بخاطر ملخ است .
 و ویرانی ابله (موضعی است در نزدیک بصره) از حصار
 است (که آن مرکز ناحیه ایست از بخارا که ساکنین آن -
 ترکهای مغول اند ، و ازبکستان که در آخرالزمان به بصره
 خواهند آمد) .

و خراب شدن فارس از فقرا و گدایان و بینوایان دیلم
 است که ساکنین جبال گیلان و مازندران در سمت شمال
 قزوین واقع است (یا بنا بر قولی از طایفه بختیاری اند)
 و خراب شدن دیلم از ارمن است .

و خراب شدن ارمن از جز است (جزیره ایست بین دجله و فرات) .

• و خراب شدن جز از ترك است .

و خراب شدن ترك از صواعق است (یا صاعقه ای

آسمانی و یا صاعقه ای که از وسائل تخریبی روز باشد) .

• و خراب شدن سند از هند است .

• و خراب شدن هند از چین است .

و خراب شدن چین از رمل است

• و خراب شدن حبشه از زمین لرزه است .

• و خراب شدن بغداد از سفیانی است .

و خراب شدن روحاء بفرورفتن به زمین است . (روحاء

موضعی است میان مکه و مدینه که سی یا چهل میل بمدینه

فاصله دارد ، و یا محلی است از مضافات رحبه و یا نام

شهریست) .

• و خراب شدن عراق از قحطی خواهد بود .

از قم یاران امام زمان بیرون آیند

السماء والعالم صفحه ۳۳۹ از امیرالمؤمنین علیه

السلام روایت کرده که فرمود ، در جواب کسی که پرسید در

زمان نزول فتنه کدام يك از شهرها سالمتر و بهترین شهر

هاست .

اسلم المواضع یومئذ ارض الجبل

فاذا اضطربت خراسان ، و وقع الحرب بین اهل
 جرجان و طبرستان و خربت سجستان فاسلم المواضع یومئذ
 قصبه قم تلك البلدة التي يخرج منها انصار خیر الناس أباً
 و أمماً و جداً و جده و عمّاً و عمه ، تلك التي تسمى الزهراء بها
 موضع قدم جبرئیل و هوالموضع الذي نبع منه الماء الذي
 من شرب منه امن من الداء و من ذلك الماء عجن الطین
 الذي عمل منه كهیئة الطیر و منه یغتسل الرضا علیه السلام
 و من ذلك الموضع یخرج كبش ابراهیم و عصا موسی و خاتم
 سلیمان . (۱)

ترجمه :

سالمترین جاها در آن روز زمین جبل است پس چون
 مضطرب شد ، خراسان و واقع شد جنگ در میان اهل گرگان
 و طبرستان و خراب شد سیستان ، پس سالمترین مواضع در
 آن هنگام قصبه قم است و آن شهر نیست که بیرون می آید از
 آن یاران کسی که بهترین مردم است از جهت پدر و مادرو
 جد و جده و عمو و عمه و آن شهر نیست که زهراء نامیده شده

۱- بنقل از نوائب الدهور ، صفحه ۳۵۷ - و مهدی

منتظر ، صفحه ۱۶۶ - و تاریخ قم ، صفحه ۹۰

و در آنجاست جای پای جبرئیل .
 و آنجاست جایی که می جوشد از آن آبی که هر کس
 بنوشد از آن ایمن می شود از هر دردی و از آن آب سرشته
 شده گلی که از آن ساخته شده مانند مرغ ، و از آن غسل
 کند رضا علیه السلام و از آنجا بیرون می آید قوچ ابراهیم و
 عصای موسی و انگشتر سلیمان علیهم السلام .

چند علامت در کتب فریقین بحد تواتر رسیده .

والروایات فی الخسف و فی السفیانی و ما یجری بینه
 و بین المهدی علیه السلام و قتل النفس الزکیة و الیمانی و -
 الصیحة فی کتب الفریقین کثیرة جداً تبلغ حد التواتر . (۱)
 ترجمه :

روایات درباره خسف و سفیانی و آنچه بین او و
 مهدی (ع) اتفاق می افتد و نیز قتل نفس زکیه و یمانی و
 صیحه در کتابهای فریقین (شیعه و سنی) زیاد است جداً
 حتی بحد تواتر رسیده .

ظاهر شدن آب بر روی زمین در شهر قم

حضرت عسکری علیه السلام جریان شب معراج و نظر
 کردن آن حضرت را به زمین قم و پرسش از جبرئیل ذکر نمود

تا اینکه : جبرئیل گفت : اینجا شهری بنا خواهد شد و بندگان مؤمن خدا در آنجا جمع شوند و امیدوار بمحمد (ص) و شفاعت او در قیامت باشند ، برایشان هم و غم و حزنها و مکاره وارد شود ، راوی پرسید : پس چه وقت انتظار فرج خواهند داشت ، فرمود : اذا ظهر الماء علی وجه الارض ، هرگاه آب بر روی زمین ظاهر شود ، علامه - مجلسی فرموده ، در این زمان هنوز آبی جاری نشده (۱) .

مردی از اهل قم دعوت کند مرد مرا

از حضرت موسی بن جعفر روایت است که فرمود : مردی از اهل قم مردم را دعوت بحق خواهد کرد ، جمعی با او جمع خواهند شد که در محکمی مانند پاره های آهن باشند که نه باد های وزنده ایشان را بلغزاند و نه از جنگ ملول خواهند شد ، و نه در ایشان ترسی هست و برخدا توکل می کنند و عاقبت برای متقین است (۲) .

اختلاف دو صنف از عجم در کلمه عدل

عبدالله بن بشار رضیع از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود و اختلاف دو صنف از عجم در لفظ کلمه عدل

هزارها کشته خواهند شد و شیخ طبرسی بدار آویخته خواهد شد . (۱)

(اشاره بمشروطه و دار زدن شیخ بزرگوار شیخ فضل الله نوریست) .

قومی که در مشرق خروج می کنند

حضرت باقر علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمود :
گویا می بینم قومی را که در مشرق خروج کرده اند ، حق را مطالبه می کنند ، پس به ایشان داده نمی شود ، باز مطالبه می کنند و به ایشان داده نمی شود ، پس چون چنین ببینند ، شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند ، آنگاه آنچه می خواستند به ایشان داده شود و ایشان قبول نکنند تا این که قیام کنند و نخواهند داد دولت را مگر بصاحب شما ، کشته های ایشان شهدایند ، آگاه باشید اگر من آن زمان را درك می کردم خود را برای صاحب این امر نگاه می -
داشتم . (۲)

قم شهر ما و شهر شیعیان ماست

۱- الزام الناصب بنقل از مهدی منتظر

۲- مهدی منتظر ، صفحه ۱۵۹

از امام صادق نقل است که فرمود : شهر قم شهر ما و شهر شیعه ماست ، شهر یست پاکیزه و مقدسه و مطهره و ولایت و دوستی ما و اهل بیت ما را قبول کرده است . هیچ جباری و ظالمی و سرکشی بدیشان قصد بد نکند و بدیشان بد نخواهد مگر آنکه خداوند بر وی تعجیل - عقوبت فرماید .

مادام تا با یکدیگر خیانت نکنند ، و چون خیانت کنند در حق یکدیگر خداوند جباران و گردنکشان را برایشان مسلط گرداند ، سپس فرمود : اهل قم انصار و یاران قائم ما علیه السلام اند و رعایت کنندگان حقوق ، پس سر مبارک بسوی آسمان کرد و فرمود که : خداوند انگهدار اهل قم را از هر فتنه و بلا و از هلاکت رستگاری ده . (۱)

قم و کوفه جای امن است

ابی عبدالله فرمود : چون مفقود شود امن در بلاد و مردمان بر پشت اسبان نشینند و از زنان و بوی خوش دوری گزینند - فالهرب الهرب الهرب بگریزند و سخت فرار کنند ، راوی عرض کرد : جان و مال و تتم فدایت کجا پناه برده می شوند؟ فرمود : کوفه و دور تا دور آن و ق م و ح و ا ل ن ی

آن از این هر دو شهر بلا دور است (۱) .

نویسنده گوید :

اخبار وارده در فضیلت قم زیاد است ، طالبین به کتاب های مفصل مخصوصاً تاریخ قم که در سال ۳۷۸ قمری
بعربی ترجمه شده مراجعه نمایند .

عجم شیرانند

در ملاحم صفحه ۱۱۰ بسند خود از رسول خدا روایت
کرده که فرمود :

يوشك ان تملأ ايدىكم من العجم ثم يجعلهم الله اسدا
لا يفرون فيقتلون مقاتلتكم ولا ياكلون فيئكم .

نزدیک است پر شود در مقابل شما از عجم پس قرار
می دهد خدا ایشان را شیرهایی که فرار نمی کنند ، پس
می جنگند با شما جنگیدنی و نمی خورند غنیمت های شما را .

وضع زنها را بشنوید

اذا رأيتم اللاتي ألقين على رؤسهن مثل أسنمة البعر
فاعلموهن انه لا تقبل لهن صلوة . (۲)

۱- تاریخ قم ، صفحه ۸۷

۲- نوائب الدهور ، صفحه ۱۴۱

هرگاه دیدید زنان را که افکند مانند بالای سرهاشانرا مانند کوهان شتران ، پس به آنها اعلام کنید که نمازشان پذیرفته نیست .

سیکون فی امتی رجال یرکب نسائهم علی سروج -
کاشباه الرجال . (۱)

زود است بیاید در امت من مردانی که زن هایشان سوار شوند بر زمین ها در حالی که خود را شبیه به مردان کرده اند .

نویسنده گوید :

در معنای این دو حدیث احتیاج به تشریح و بیان نیست ، چنانچه می بینیم وضع کثیری از زنان این چنین است

کار باینجا هم می رسد:

لیأتین علی الناس زمان یأتی الرجل القبر فیکول: یا لیتنی مکان هذا لیس به حب الله تعالی ولكن من شدة ما یری من البلاء . (۲)

هر آینه می آید زمانی البته ، البته که مرد کنار قبر می آید و می گوید : کاش من بجای این مرده بودم ، البته این

۱- نوائب الدهور ، صفحه ۱۴۰

۲- نوائب الدهور ، صفحه ۱۶۶

حرف را نه از باب دوستی بخدا می‌گویند ، بلکه از شدت بلائی است که می‌بینند .

کسی که دین بخواهد باید صبر کند

جامع الاخبار در فصل ذکر زمان سوء از رسول گرامی اسلام نقل کرده : **يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ** .

می‌آید بر مردم زمانی که صبر کنند بر دین خود، مانند کسی است که آتش سرخ شده را در دست خود گرفته و این کنایه است از شدت سختی .

در مساجد برای حرف دنیا جمع می‌شوند

در همان کتاب و همان باب از پیامبر اکرم روایت کرده که فرمود : **يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ ، يَقْعَدُونَ فِيهَا حَلْقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبَّ الدُّنْيَا لَا تَجَالِسُوهُمْ فَلَئْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ** .

می‌آیند در آخرالزمان افرادی که از امت من هستند ، در مساجد می‌نشینند و حلقه می‌زنند ، لکن ذکر ایشان دنیا و محبت دنیاست ، با ایشان ننشینید ، از برای اینکه نیست برای خدا بایشان حاجتی .

فقها کم می شوند

قال رسول الله (ص) سیأتی علی امتی زمان یکثر فیہ القراء و یقل الفقهاء ، و یقبض العلماء ، و یکثر الهرج ثم یأتی بعد ذلك زمان یقرأ القرآن رجال من امتی لا یجاوز تراقیهم ، ثم یأتی من بعد ذلك زمان یجادل المشرك بالله المؤمن فی مثل ما یقول (۱) .

پیامبر (ص) فرمود : زود است بیاید بر امت من زمانی که قراء و خوانندگان زیاد شوند لکن فقها کم شوند ، و علماء گرفته شوند و کشتن و خون ریزی زیاد شود ، پس بیاید بعد از آن دورانی که مردانی از امت من قرائت کنند قرآن را لکن از گلوی آنها تجاوز نکند ، پس بعد از آن بیاید زمانی که مشرکین بخدا مجادله کنند با مؤمن در آنچه که می گوید .

گرفتن رأیها از مردم و خواندن قرآن را با ساز و مجالس زنان و سخرانیهای آنها

قال رسول الله (ص) یأتی علی امتی زمان تکثر فیہ الآراء و تتبع فیہ الا هواء و یتخذ القرآن مزامیر ، و یوضع علی الحان الاغانی یقرأ بغير خشية ، لا یأجرهم الله علی قرائته ،

بل يلعنهم ، فعند ذلك تهش النفوس الى طيب
 الالحن ، فتذهب حلاوة القرآن اولئك لانصيب لهم في -
 الآخرة ، ويكثر الهرج والمرج ، وتخلع العرب اعنتها ، وتكتفى
 الرجال بالرجال ، والنساء بالنساء ، ويتخذون ضرب
 القصب فيما بينهم ، فلا ينكره منكر ، بل يتراضون به و هو
 من احدى الكبائر الخفية ، فويل لهم من ديان يوم القيمة و
 أنا منه برى ، وعندها تتخذ النساء مجالس ، وتكون الجموع
 الكثيرة حتى ان المرئة لتتكلم فيها مثل الرجال ، و يكون
 جموعهن لهواً ولعباً ، و في غير مرضاه الله و هي من عجائب
 ذلك الزمان فاذا رأيتموهم فباينوهم و احذروهم في الله فانهم
 حرب لله و لرسوله والله و رسوله منهم برى .

ترجمه :

می آید بر امت من زمانی که بسیار می شود در آن رأیها
 و پیروی کرده می شود در آن رأیها و خواهشهای نفسانی
 (مردم مطیع نفس اند) و گرفته می شود قرآن با سازها و نوازها
 و گذارده می شود بالای آوازهای سرود و خوانندگیهای غنا ،
 خواننده می شود بدون اینکه ترس داشته باشند مزد نمیدهد
 خدا آنها را بر چنین خواندنی بلکه لعنت می کند ایشان را
 پس در چنین زمانی به وجد و طرب آید نفسها به خوبی
 آوازها (کیف می کنند) ، پس می رود شیرینی و حلاوت قرآن

این جماعت هیچ بهره‌ای از ثواب برایشان نیست در عالم آخرت و بسیار می‌شود آدم کشتن بیگناه، و غلق و اضطراب و مطلق العنان و سرخود می‌شود عرب، مردها به مردها و زنها به زنها اکتفا کنند در فجور، و می‌گیرند زدن سازها و نوازها را در میانشان، پس انکارکننده‌ای هم انکار نکند آنها را بلکه خشنود می‌شوند باین گرفتن سازها و نوازها در حالی که آن یکی از گناهان کبیره پنهان است. پس کلمه عذاب مخصوص ایشان است از جزا دهنده روز جزا، نمی‌رسند ایشان را شفاعت من، پس کسی که خشنود شد باین کارها و کردارها پشیمان شود در روز قیامت و باز نداشت آنان را از آن الی، و من از او بیزارم و در چنین زمانی و ظهور چنین علائمی می‌گیرند زنها مجلس هائی و جمعیت‌ها و دسته بندیها زیاد شود، تا این اندازه که زن در مجالس سخنرانی کند مانند مردها و اجتماعاتشان برای سرگرمی و بازی است در غیر آنچه خشنودی خدا در آنست، و این از عجائب آن زمان است، پس چون دیدید ایشان را از آنها جدائی گیرید و بترسید از ایشان و یا بترسانید آنها را در راه خدا، زیرا که ایشان جنگ کنندگان با خدا و پیغمبراند و خدا و رسول او از آنها بیزارند (۱)

نویسنده گوید :

در این زمان این علائم صورت وقوع پیدا کرده و این از معجزات نبی اکرم اسلام است که بیشتر از هزار و چهار صد سال قبل چنین پیش بینی نمود و این بیست علامت را تذکر داده اند :

مرد طرف صبح مؤمن است و اول شب کافر

قال رسول الله (ص) تكون بين يدي الساعة فتن كقطع الليل المظلم يصبح الرجل فيها مؤمناً ويمسى كافراً ويمسى مؤمناً ويصبح كافراً ، يبيع اقوام دينهم بعرض الدنيا . (۱)

پیامبر فرمود :

در نزدیکی ساعت فتنه ها و گرفتاریهای پیدا میشود چون قطعه های شب تاریک و در اثر این فتنه ها و آشوبها ، مرد طرف صبح مؤمن است و اول شب کافر و یا اول شب مؤمن است و چون صبح شد کافر شود و در آن موقع جمعی دین خود را در مقابل متاع دنیوی از دست خود میدهند .

چهار نوع گرفتاری

قال معاذ بن جبل : ايها الناس اربع خلال من -

۱- مسند احمد ، جلد ۲ صفحه ۳۷۲ و سنن ترمذی

صفحه ۳۲۰

استطاع ان لا یدرکه شیء منهن فلا یدرکه ، قالوا: وما هی

قال : یأتی زمان یشهر فیہ الباطل و یصبح الرجل علی
دین و یمسی علی آخر ، و یقول الرجل واللہ ما ادری علی ما انا
لا یعیش علی بصیرة ولا یموت علی بصیرہ ، و یعطى الرجل المال
من مال اللہ علی ان یتکلم بکلام الزور الذی یسخط اللہ . (۱)
معاذ بن جبل نقل می‌کند: مردم ، چهار نوع گرفتاری و
اختلال پیش خواهد آمد ، و اگر بتوانید که آنها بشمانرسد
البتہ لازم است ، گفتند : چیست آنها ؟

گفت : زمانی خواهد آمد که باطل جلوه پیدا کرده و
بر حق غلبه نماید ، و هوسرانی و ضعف مردم به جائی‌رسد
که طرف صبح به آیینی وابسته شوند و طرف عصر به آیین
دیگری می‌پیوندند .

به اندازه‌ای در تزلزل و تحیر و تردید باشند که نمی
فهمند که در چه روش و طریقه ای هستند .
نه زندگی آنها روی بصیرت و اطمینان است و نه مرگ
آنها ، و مردی را مال می‌دهند که بر خلاف رضا و حکم
پروردگار متعال سخن گوید :

وای بحال اعراب - دین و حفظ آن

قال رسول الله (ص) : ويل للعرب من شرٍ قد اقترب
فتناً كقطع الليل المظلم يصبح الرجل مؤمناً ويمسى كافراً ، يبيع
قوم دينهم بعرض من الدنيا قليل ، المتمسك يومئذٍ بدينه
كالقابض على الجمره .

پیامبر فرمود : وای بحال عرب از شری که نزدیک است
، فتنه هائی است مانند قطعه های تیره شب تاریک ، صبح
می کند مرد به حال ایمان و شب کافر است ، و جمعی از
مردم دین خودشان را به متاع ناچیزی می فروشند ، و کسی
که در آن روز دین خود را محکم بگیرد مانند کسی باشد که
آتش به دست گرفته باشد .

بشارات عهدین

نویسنده گوید :

اکنون قسمتی از بشارات عهدین (تورات و انجیل) و کتب مهم ادیان دیگر را در باره ولی عصر ارواحنا فداه می نگارم تا معلوم شود که در این کتاب ها هم (اگر چه تحریف شده) از ظهور حضرتش خبر داده و آنهایی که عقیده باین کتابها دارند بدون تعصب قضاوت نمایند و از خواب غفلت بیدار گردند .

حرف تا - تیتی شاعاه وتیت قوف تشوعاه و بیر

به نبواه شاطط ویملا کال ازعاه . (۱)

بیاید ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و

مانند سیل جهان را پر کند ،

وحی فوق بشارت از یک عصر درخشان و سعادت

عمومی جهانی می دهد که عالم انسانیت حیات نوین یافته

و نتیجه و هدف انبیاء الهی و رجال برجسته وحی بیکجا و

بتمام معنا آشکار گردد و فرج و نصرت الهی با نهایت قدرت

و جبروت هویدا شود ، که گوئی تمامی پیامبران الهی بیکجا

گرد آمده و آنچنان ایجاد انفجار و انقلاب روحانی و معنوی

نمود ماند که آثار دعوت و تربیت آنان همچون سیل جهان را پر کرده و سراسر کره مسکون بشریت بزیر پرچم حق و عدالت گرد آیند و شروف و انحراف و اختلاف عقاید و ادیان بکلی از بین برود و آن زمان ظهور مهدی است .

صاحب کتاب بشارات عهدین ذیل آیه ، " ولقد کتبنا فی الزبور الخ " می نویسد : مضمون آیه فوق در مرموز (۳۷) - زبور داود مکررا ذکر شده و این بشارت عظیم را به الحان گوناگون بیان کرده و پس از تسلی و دل داری به حضرت داود که : از شیران رنجیده مشو ، زیرا همچون علف زود بریده می شوند . بر خداوند توکل نمای و از او متلذذ باش به او آرام گیر و در انتظارش باش .

آیات ۱ تا ۷ فرماید :

بشارت سی و سوم : (۹) زیرا که شیران منقطع میشوند اما متوکلان بخداوند وارث زمین خواهند شد (۱۰) (۱۰) و حال اندکست که شیر نیست میشود که هر چند مکانش را جستجو نمائی ناپیدا خواهد بود (۱۱) اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد الخ مطالب بشارت سی و چهارم - و در کتاب زند که کتاب

۱ - نویسند ه گوید آنچه داخل پرانتز نوشته شده است مربوط به آیات است .

مذهبی زردشتیان است نیز اشاره به انقراض اشرار و وراثت صلحاء نموده فرماید :

لشگر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه بطوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند ، چه : در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمانست به ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان زاه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست . (۱)

نویسنده گوید :

ایزدان یعنی خداپرستان و شاید در اصل ایزدیان بوده که به معنی منسوبین بخدا و الهیون باشد .

در کتاب حکم بنی فصل ۲ آیه ۷ گوید :

وَهَر عِستى اِتْ کال هَغُومِ وِیاثو حَمِدَاتِ کال
هَغُومِ وِملوتى اِت هَبیت هَزّه کابود آمر یه‌سواه -

صباوت . (عبری)

تمامی امم را بهیجان می آورم و مرغوب همگی طوائف خواهد آمد و پر می کنم این خانه را از جلال ، امر خدای لشگرها است .

بر حسب نصوص متواتره اسلامی و کتب مقدسه انبیاء ، حامل لواء انقلاب جهانی و پرچمدار نهضت بی سابقه ای که تمامی ملل جهان را بهیجان می آورد مرغوب و مورد انتظار جهانیان می باشد امام عصر ارواحنا فداه است که خانه خدا را پر می کند از جلال و آئین خدا را در سراسر جهان منتشر سازد .

و احتمال می رود مقصود از خانه خدا که در بشارت فوق آمده مکه معظمه یعنی مطلع شمس فروزان حضرت مهدی باشد که ندای اسلام را از آنجا آغاز کند و نیز احتمال می رود بیت المقدس باشد که در عصر ظهور حضرتش بزرگترین مراکز روحانی اسلام گردد .

در دولت مهدی (ع) بشریت پیرو یک آئین شود . (کتاب صفیای نبی فصل ۳)

پس از آنکه در آیه (۶) فرماید : بمنظور گرد آوردن تمام طوائف بشر هر یک دین حق ، سلاطین و دول مختلفه را نابود کنم و بگرمی غضب من تمامی روی زمین بسوزد ، گوید :

(۷) کی از اهیوح ال عمیم سافاه برورا لیقرو

کولام بشم یهواه لعابدوا شحم احاد . (عبری)

(۷) آنوقت برگردانم به قومها لب پاکیزه ، برای

خواندن همه بنام خدای و عبادت کردن ایشان بیک روش .

(اشعیا ، ۴۵ - ۲۲) پس از آیاتی چند درباره بت

پرستی فرماید :

(۲۳) بنو الی وهیوا شعو کل اِقص اِرض کی انی

ال وان عودحی نیشعنی یاصامیبی صداقاه دابار

ولا یاشوب کی لی یتجرع کل برخ یتشایع کل لاشون .

(۲۲) روکنید بمن ورستگار شوید ، ای همه جمعیت

زمین ، که منم خدا و نیست دیگری ، بخود سوگند می‌خورم

بیرون آمد از دهان من براستی سخن و ندارد برگشت که :

برای من زانو ب‌وته کنند همه آفریدگانم و قسم خورند به من

همه زبانها ،

یعنی : فرمان عمومی توجه عموم بشر بسوی خدا که صادر

گردید در یک آینده ای بدون استثناء صورت عمل خواهد

گرفت و تمامی بشریت خداپرست شوند .

در کتاب شاکمونی (۱) گوید :

۱- شاکمونی از اعظم کفره هند است که بعقیده آنان

پیامبر و صاحب کتاب آسمانی است .

پادشاهی و دولت دنیا بفرزند سید خلاق دوجهان
 (کشن) بزرگوار تمام شود، و او کسی است که به کوه های
 مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار
 شود و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت
 او شوند، و از سودان که زیر خط استوا است تا عرض —
 تسحین که زیر قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب
 شود، و دین خدا يك دین شود، و دین خدا زنده گردد
 ، و نام او ایستاده و خداشناس باشد .
 نویسند ه گوید :

چنانچه ملاحظه می فرمائید ، نام پیامبر اسلام به لغت
 هندی "کشن" و نام فرزندش مهدی "ایستاده و خداشناس"
 (قائم) آمده .

در متی ، آنحضرت را فرزند انسان خوانده

بشارت سی و نهم — در (متی آیات ۲۵ ، ۱۳۱ ، ۳۴)
 آنحضرت را بنام فرزند انسان خوانده فرماید :
 (۳۱) و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد
 با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت
 (۳۲) همگی قبائل نزد وی جمع خواهند گشت و آنها را از
 یکدیگر جدا خواهد نمود چنانکه شبانی میشها را از بزها

جدا نماید (۳۳)، پس میش‌ها را بر راست و بزها را بر چپ خود ایستاده خواهد نمود (۳۴)۰ ، آنگاه ملك باصحاب یمن خواهد گفت: ای برکت یافتگان خدا بیائید و آن مملکت را که از ابتدای عالم برای شما مهیا شده بود تصرف نمائید .
 و در آیه (۴۶) فرماید: و آنها (یعنی: اصحاب دست چپ و بد سیرتین) در عذاب ابدی خواهند رفت و عادلان در حیات ابدی .

و در آیه (۱) فصل بعد فرماید: چون عیسی مجموع این سخنان را به انجام رسانید بشاگردان گفت . . . الخ

فرزند انسان کیست ؟

بر خلاف آنچه گروهی از علماء و مفسرین انجیل - پنداشته‌اند فرزند انسان که در آیات فوق زمامدار و حامل لواء سلطنت جهانی در آینده معرفی شده است حضرت مسیح علیه السلام نیست (گرچه این کلمه در اصطلاح انجیل غالباً بر آنحضرت اطلاق شده است) زیرا: از آیه (۱) فصل بعدی که گذشت روشن می‌گردد که بشارت دهنده خود مسیح است و از شخصی بشارت می‌دهد که در آینده جمیع ملل عالم نزد او گرد آیند .

و از جملات: خواهد آمد، قرار خواهد گرفت، نزد

او جمع خواهند گشت و . . . بدست میآید که شخص مورد بشارت مسیح در عصر وی نبوده ، بلکه بعداً خواهد آمد .

بلکه با اندک تأملی در بشارت فوق نتیجهای میشود که : مقصود از فرزند انسان بزرگترین نمونه و جرثومه انسانیت و شاخصترین مولود عالم انسانی حضرت م ح م د بن الحسن العسکری علیه السلام است که تمامی امم نزدش جمع شوند و زمام امور اجتماع را در کف یا کفایت خود گیرد . (۱)

در کتاب (دید) چنین مؤذنه می دهد

و در کتاب (دید) که در نزد هندیان از کتب آسمانی است گوید : پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلیق باشد و نام او منصور (۲) باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد ، و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید .

۱- بشارات عهدین ، صفحه ۲۴۴

۲- در برخی از روایات منصور را یکی از اسماء حضرت مهدی خوانده و آیه : " و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یُسرف فی القتل انه کان منصوراً " را بر آنحضرت تأویل کرده اند که وی ولی خون مظلومان و منصور و موید از جانب خدا می باشد .

کتاب (باسک هندوها)

و در کتاب (باسک) که از کتب آسمانی هندوهاست
گوید :

دور دینی تمام شود به پادشاه عدلی در آخرالزمان که
پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او
باشد ، و آنچه در دریا و زمین ها و کوهها پنهان باشد همه
را بدست آورد ، و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر
دهد و از او بزرگتر کسی بدنیا نیامد .

نویسنده گوید :

در روایات آمده که : "تخرج له الارض افالید کبدها"
زمین جگر و باطن خود را برای حضرت مهدی (ع) آشکار
سازد و اینکه تمامی گنجهای عالم در دسترس حضرتش قرار
گیرد .

در کتاب (پاتیکل) چنین بشارت داده

چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد از
فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس آخرالزمان
و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که (پشن) نام دارد
و نام آن صاحب ملك تازه راهنما است ، بحق پادشاه شود

و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار
باشد .

هر که پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند سرخ

روی باشد در نزد رام .

نویسنده گوید :

در اینجا چند نکته را باید متذکر شویم :

۱- مقصود از ناموس آخرالزمان ، ناموس اعظم الهی

پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله است .

۲- پشن نام هندی حضرت علی بن ابیطالب علیه

السلام است .

۳- راهنما نام حضرت مهدی علیه السلام است که

بزرگترین نماینده راهنمایان الهی و نامش نیز هادی و -

مهدی و قائم بالحق است .

۴- رام به لغت سانسکریتی نام خداست .

۵- این جمله آخر صریحیست بر اینکه حضرت مهدی

جهانیان را به دین اجدادش (اسلام) دعوت می کند .

سپس می نویسد :

و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان

ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود و از ساحل

دریای محیط و جزائر سراندیب و قبر آدم (ع) و جبال القمر

تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس رامسخر
گرداند و بتخانه سوماترا خراب کند ، و جگرنات (که بلغت
سانسکریتی نام بتی است که هندوها آنرا مظهر خدا می-
دانند) بفرمان او به سخن آید و بخاک افتد ، پس آن را
بشکند و به دریای اعظم اندازد و هر بتی که در هر جا باشد
بشکند .

بشارت کتاب جاماسب در مورد
حضرت مهدی علیه السلام

مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم
مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق ، و بردین جد -
خویش بود ، با سپاه بسیار ، و روی به ایران نهد و آبادانی
کند و زمین پردازد کند ، و از داد وی باشد که گرگ و میش
با هم آب خورند .

و مردم بسیار شوند ، و عمر دیگر باز بد رازی کشد و باز
گردد چنانکه مردی بود که او را پنجاه فرزند بود نر و ماده و
کوه و دشت پر از مردم شود و پر از حیوان گردد و همچون
عروسی شود .

و همه کس به دین مهرآزمای ، باز آیند و جور و آشوب
از جهان برخیزد ، چنانکه فراموش کنند که چون سلاح باید
داشتن و اگر وصف نیکوئی آن کنم تلخ گردد این زندگانی

که ما بدواندریم *

یادآوری

کلمه مهرآزمای در کتاب جاماسب نام مبارك حضرت محمد بن عبدالله (ص) است که در دولت با سعادت مهدی همگی ملل به دین مقدس اسلام باز آیند و بقیه جملات فوق با کمال وضوح بشارت از يك انقلاب کلی جهانی است به دست مردی از فرزندان هاشم ، که بر دین جد خویش بود که المهدی من امتی *

و زمین را پردازد کند (یملأ الارض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً) و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد (و تصطیح فی ملکه السباع) و مردم بسیار شود ...

اسامی مقدس حضرت مهدی علیه السلام
در کتب مذهبی ملل مختلف جهان

<u>ردیف</u>	<u>اسامی اسامی کتب</u>	<u>اسماء مقدس امام (ع)</u>
۱-	صحف ابراهیم	صاحب
۲-	زبور سیزدهم	قائم
۳-	تورات بلغت ترکوم	قید مو
۴-	تورات عبری	ماشع
۵-	انجیل	مهمید آخر
۶-	زمزم زرد شت	سروش ایزد
۷-	السیاق زند و پازند	بهرام
۸-	در زند و پازند	بنده یزدان
۹-	هزار نامه هندیان	لند بطاوا
۱۰-	ارماطس	شماخیل
۱۱-	جاویدان	خوراند
۱۲-	کندرال فرنگیان	خجسته
۱۳-	کتاب شعیای نبی	فیروز
۱۴-	کتاب محسوس	خسرو
۱۵-	کتاراتزی پیغمبر	میزان الحق
۱۶-	برزین آذرفارسیان	پرویز
۱۷-	قبروس رومیان	فردوس الاکبر

ردیف	اسامی کتب	اسماء مقدس امام (ع)
۱۸-	صحیفه آسمانی	کلمة الحق
۱۹-	صحیفه آسمانی	لسان صدق
۲۰-	کندرال	صمصام الاکبر
۲۱-	دوهر	بقیة الله
۲۲-	قنطره	قاطع
۲۳-	دیدبراهم	منصور (۱)

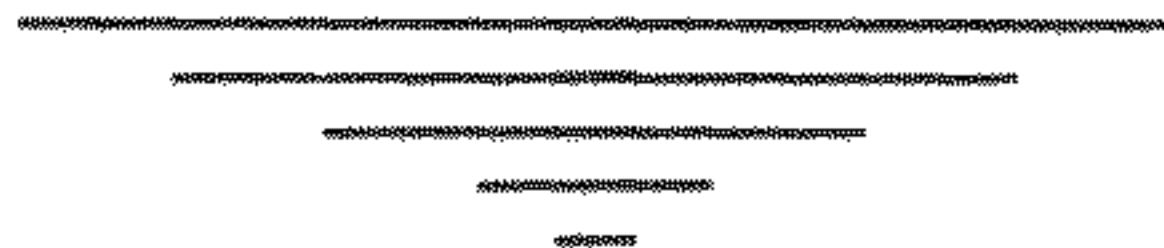
خصوصیات حضرت مهدی علیه السلام

از دیدگاه ما طبق روایات اسلامی امام زمان ارواحنا فداه دارای ویژگیهای زیاد است که قسمتی از آنها را ذیلاً مینگارم :

- ۱- مهدی از عرب است .
- ۲- مهدی از این امت است .
- ۳- مهدی از کنانه است .
- ۴- مهدی از قریش است .
- ۵- مهدی از بنی هاشم است .

- ۶- از اولاد عبدالمطلب است .
- ۷- از اولاد ابیطالب است .
- ۸- مهدی از آل محمد است .
- ۹- از عترت است .
- ۱۰- از اهلیت است .
- ۱۱- از ذوی القربی است .
- ۱۲- از ذریه است .
- ۱۳- از اولاد علی علیه السلام است .
- ۱۴- از اولاد فاطمه است .
- ۱۵- از اولاد سبطین است .
- ۱۶- از اولاد حسین (ع) است .
- ۱۷- مهدی نهی از فرزندان حسین (ع) است .
- ۱۸- مهدی از اولاد حضرت صادق (ع) است .
- ۱۹- مهدی از اولاد حضرت رضا (ع) است .
- ۲۰- مهدی فرزند حسن عسکری است .
- ۲۱- مهدی فرزند بلافضل حضرت عسکری است .
- ۲۲- مهدی شباهت به پیامبر دارد .
- ۲۳- مهدی اسم و کنیهایش همان نام و کنیه پیامبرست .
- ۲۴- مهدی دو غیبت دارد (صغری - کبری)
- ۲۵- مهدی موعود در عالم یکی است .

البته هر يك از این خصایص از روایاتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند استفاده می‌شود که طالبین به کتاب‌های مفصل می‌توانند مراجعه کنند *



حکومت جهانی بدست حضرت
مهدی (ع) برپا می‌گردد

از زمانهای کهن تا با امروز، تشکیل يك حکومت جهانی از آرزوهای پیامبران و فلاسفه و دانشمندان و سیاستمداران و پیرمردان مذاهب مختلف جهان بوده است .
امروز نیز تقریباً عموم فلاسفه و اندیشمندان، تنها علاج بیماریهای بشری و تنها راه جلوگیری از جنگ و تثبیت صلح را تشکیل يك حکومت جهانی می‌دانند .
انشتاین - دانشمند و ریاضی‌دان بزرگ معتقد بود که ملل جهان از هر نژاد و رنگی که باشند می‌توانند و باید زیر يك پرچم واحد بشریت در صلح و برابری و برادری زندگی کنند . (۱)

نامبرده در اهمیت و ارزش حکومت واحد جهانی برای زندگی انسان‌ها تا آنجا پیش رفت که صریحاً می‌گفت:
حکومت‌های متعدد خواه و ناخواه به نابودی بشریت منجر خواهد شد .

بعقیده وی مردم جهان یکی از دو راه را باید انتخاب

کنند:

۱- يك حكومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی
اتمی تشکیل دهند *

۲- حکومت های ملی جداگانه فعلی همچنان باقی ماند
و منجر به انهدام تمدن بشری گردد *

برتراند راسل - دانشمند و فیلسوف مشهور انگلستان
همانند انشتاین بشدت از لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی
دفاع کرده و معتقد است که عدم اجرای این طرح بالاخره
بنابودی بشریت منجر خواهد شد *

و ضمن يك بحث مهمی در این باره می نویسد، اکنون
از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه يك امپراطوری وسیع جهانی
وجود ندارد و چون خرابی جنگ بیش از يك قرن گذشته
است احتمالاً باید حکومت واحدی را قبول کنیم یا این که
به عهد بربریت برگردیم و یا بنابودی نژاد انسانی راضی
شویم * (۱)

همین دانشمند در جای دیگر ابتداءً به عامل اصلی
جنگها و تضاد منافع حکومت های متعدد اشاره کرده و
سپس لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی را بار دیگر یادآور
می گردد و می نویسد :

مادام که يك حکومت جهانی در دنیا وجود ندارد

رقابت برای کسب قدرت مابین کشورهای مختلف وجود دارد و چون از دیاد جمعیت خطر گرسنگی را بیار می آورد قدرت ملی تنها راه جلوگیری از گرسنگی است لذا در میان ملل گرسنه ... این حقایق را ثابت می کند که دنیای علمی بدون يك حکومت جهانی ثابت و دوامی نخواهد داشت (۱) کانت فیلسوف مشهور آلمانی می گوید : ایجاد نظم جهانی منوط به وضع يك قانون جهانی است ، این همان است که مذاهب آن را خواسته اند و این همان است که پیامبران از دورانی بس کهن برای تحقق بخشیدن به آن به پای خاستند و خروشها برآوردند و بدین گونه خواستند — روشنگر تاریکیها باشند .

نگاهی به ادیان و مکاتب

زرتشتیها يك جنگ و نزاع دائمی از ابتدای خلقت مابین خدا و شیطان را تصور می نمایند و معتقدند به پیروزی نهایی اهورامزدا می انجامد .
یهودیه و مسیحیه انتظار (مسیا) را دارند ولی این عقیده و انتظار در نظر مسیحیه موكول و موعود به بعد از دنیا و قیامت و آخرتست ...

کمونیسست‌ها بنا بر منطق ماتریالیسم دیالکتیک زندگی و تاریخ تمدن را یک سلسله منازعات و استثمار‌های میدانی می‌دانند که تحت تأثیر ابزار و وسایل تولید و تحول آن پیوسته مابین طبقه برخوردار یا غالب و طبقه زیر دست استثمار شده وجود داشته و تحولات تاریخ را در آخرین مرحله تجدید و تلخیص بچشم جنگ طبقات می‌نگرند.

آخرین طبقه استثمار شده و مظلوم را طبقه کارگر می‌دانند و معتقدند که با تحریک اختلافات طبقاتی و برانگیختن کارگران و رنجبران علیه سرمایه‌داران با انقلابی که طبقه کارگر بنا بر ضرورت و جبر تاریخی کرده و می‌کند این طبقه تسلط حکومت و اجتماع را بدست خواهد گرفت، باین ترتیب چون فقط یک طبقه در دنیا وجود خواهد داشت اختلافات و جنگها از بین می‌رود.

خواننده عزیز: با در نظر گرفتن مطالب بالا یعنی سخنانی که از برجسته‌ترین چهره‌های معروف و متفکر و دانش مند جهان و نیز عقیده ادیان و مکاتب عالم در باره لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی و از بین رفتن استثمار و زور - گوئی ایراد گردیده - برای مردم شیعه این اعتقاد اصیل و این اصل بزرگ مذهبی (حکومت جهانی بدست حضرت مهدی است) مانند دگر معتقداتش افتخار آمیز است و این

جاست که ارزش عقیده شیعه خوب آشکار می‌گردد چنانچه قرآن می‌فرماید ، روزگاری فرا خواهد رسید که مرا عبادت کنند و کسی را شریک من قرار ندهند (سوره نور آیه ۵۴) و می‌فرماید در زبور نوشته‌ایم پس از ذکر که سرانجام زمین از آن حق پرستان خواهد بود البته روشن است که ما نمی‌گوئیم آن حکومت واحد جهانی که دانشمندان فوق‌الذکر ضرورت آنرا گوشزد میکنند درست همان حکومتی است که مردم شیعه قرن‌هاست (با الهام از منبع وحی) به آن معتقدند، بلکه جالب توجه آن است که بطور اصلی و کلی افکار مردان دانش و علم با نظرات اسلام منطبق است ، و حقایق را که دانشمندان در باره حکومت واحد جهانی گفته‌اند از یکطرف با اعتقاد مردم شیعه در باره آینده این جهان از نظر حکومت تا حدود زیادی مطابق و از سوی دیگر نشان می‌دهد که چگونه دنیای ما آهسته آهسته برای آن حکومت موعود آماده می‌گردد ؟ !



سیستم

حکومت

سیستم حکومت آنحضرت و تغییرات اساسی

آنچه را که ذیلاً می‌نگارم از روایات معتبر استفاده می‌شود ، که بطور فشرده ملاحظه می‌کنید :

۱- قانون اساسی در حکومت امام زمان (ع) قرآن مجید است .

۲- بتمام برنامه های قرآن عمل می‌شود و حکمی معطل نمی‌ماند .

۳- عدالت و امنیت را در سرتاسر جهان گسترش می‌دهد ، پیامبر فرمود : روز ظهور مهدی منادی ندا کند که ای مردم امروز روز آزادی و عدالت است . (۱)

۴- وحدت بشری را بمعنای صحیح پیاده می‌کند .

۵- دنیا بمنزله يك خانه در می‌آید و حضرتش برای

آن خانه چون پدر مهربان .

۶- علم تکمیل می‌گردد ، چنانچه از حضرت صادق -

علیه السلام نقل شده که فرمود : علم ۲۷ حرف است تا زمان

مهدی (ع) بیش از ۲ حرف کشف نمیشود و لکن حضرتش

هر ۲۷ درجه از علوم جهان را برای بشر پرده برمی‌دارد (۱) .

۷- استخدا می‌کند صنعت را در پیشگاه اخلاق .

۸- استعمار و بردگی را از بین می‌برد ، چنانچه

غیبت طوسی از پیامبر نقل کرده که فرمود : در زمان مهدی

بردگی و استعمار از میان می‌رود و همه مردم آزاد ، زندگی

می‌کنند ، دل‌های مردم از حسد و دروغ و کینه پاک می‌شود .

۹- بیماران شفا پیدا می‌کنند ، حضرت باقر فرمود :

هر کس قائم ما را ببیند اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر ضعیف

باشد نیرومند گردد . (خرایج قطب راوندی)

۱۰- تمام انسانها توانگر و غنی می‌گردند و از نظر

اقتصادی کامل بطوری که فقیر یافت نگردد .

پیامبر (ص) فرمود : تا فرصت دارید صدقه دهید و

روزی بر شما خواهد آمد در حکومت مهدی هر چه بگردید

فقیری پیدا نکنید تا به او صدقه دهید (۲) .

۱- خرایج قطب راوندی

۲- بنقل از غیبت نعمانی

- ۱۱- زبان واحد بین المللی همان زبان عرب است
که همه بآن آشنا شوند .
- ۱۲- حق هر کس به او داده شود و بکسی ظلم نمی
گردد .
- ۱۳- زمین تمام گنجهای خود را در دسترس حضرت
قرار می دهد .
- ۱۴- يك دين در جهان باقی می ماند و همه بآن
دین رو می آورند و آن همان اسلام است .
- ۱۵- هیچکس باقی نماند مگر آنکه بر خاتمیت پیغمبر
(ص) اعتراف کند .
- ۱۶- همه دانشمندان از نقاط دور بخد متش می آیند ،
و او را در هر رشته حاکمتر از خود می بینند و علم و وجدان باعث
اسلام آوردن آنها میشود .
- ۱۷- دزدگان رام شوند و آزار بکسی نمی رسانند .
- ۱۸- در جلد ۱۳ بحار الانوار از پیامبر اکرم منقولست:
در زمان حکومت مهدی چنان به امت خوش می گذرد که هیچ
گاه سابقه نداشته .
- ۱۹- اصول شرافت و مردانگی و انسانیت رشد پیدا
می کند .
- ۲۰- عقلها تکامل پیدا می کند .
- عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا قام قائمنا وضع
الله یدہ علی رؤس العباد فجمع بہا عقولہم و کملت بہ -

احلامهم (اصول کافی)

امام باقر می فرماید : وقتی امام عصر قیام نماید ، دست
رحمت و عنایت حق بر سر تمام بشر گذارد ه می شود ، پس
عقلها متمرکز و قوی می شود و افکار و تدبیرات و تفکرات کامل
می شود .



معجزات

حاج محمد علی فشندی طهرانی ولیاقت او در سفر مکه

آنچه را اکنون می‌خوانید داستانی است که در سال ۱۳۵۴ بیک واسطه شنیدم که شخص مذکور در نزد عده‌ای از علماء قم در صفائیه نقل کرده و خوشبختانه در روز ۱۶ ذی - الحجه الحرام سال ۱۴۰۰ خود شخصاً در صحن مقدس فاطمه معصومه سلام الله علیها او را زیارت و آثار صدق و دوستی اهل بیت از سیمایش مشهود و ضمن داستان های زیادی از شرفیابیش خدمت امام زمان ارواحنا فداه همین داستان را نیز پرسیدم و بعضی از نکات دیگر داستان را نیز پرایم فرمود ، اینک اصل داستان را که راستی شگفت انگیز است و امیدبخش که در این زمانها نیز افراد لایق هستند که این چنین مورد توجه حضرت مهدی (ع) می‌باشند .

اصل داستان و شرح معجزه

سال اولی که بمکه مشرف شدم از خدا خواستم ۲۰ سفر بمکه بیایم تا بلکه امام زمان (ع) را هم زیارت کنم ، بعد از سفر بیستم نیز خداوند منت نهاد و سفرهای دیگر هم موفق شدم زیارت خانه خدا ،

(ظاهراً سال ۱۳۵۳ بوده) در یکی از سفرها که به عنوان کمکی کاروان از طهران رفته بودم شب هشتم از مکه آمدم برای عرفات تا مقدمات کار را فراهم کنم که فردا شب وقتی حاجی ها همه باید در عرفات باشند از جهت چادر و وضع منزل نگران نباشند ،

شرطه ای آمد و گفت : آقا چرا الان آمدی ، کسی نیست ، گفتم : برای این جهت که مقدمات کار را آماده کرده باشم ، گفت : پس امشب باید خواب نروی ، گفتم : چرا ، گفت بخاطر آنکه ممکن است دزدی بیاید و دستبرد بزند ، گفتم : باشد ، و بعد از رفتن شرطه تصمیم گرفتم شب را نخوابم ، وضو گرفته برای نافله شب و دعاها مشغول نافله شدم ، بعد از نماز شب حالی پیدا کردم بدرگاه خدا و در همین حال بود که شخصی آمد درب چادر و بعد از سلام وارد شد و نام مرا برد ، من از جا بلند شدم پتوئی چند لا کرده زیر آقا افکندم ، نشست و فرمود : چائی درست کن ، گفتم : اتفاقاً تمام اسباب چائی حاضر است ولی چای خشک

از مکه نیاورد هام و فراموش شده ،
 فرمود : شما آب روی چراغ بگذار تا من چایی بیاورم ،
 از میان چادر بیرون رفت و منم آب را روی چراغ گذاشتم
 طولی نکشید و برگشت و يك بسته چائی در حدود ۸۰ الی
 صد گرم بدست من داد ، چایی دم کرده جلواش گذاردم -
 خورد ، و فرمود : خودت هم بخور ، خوردم اتفاقاً هم عطش
 داشتم چایی لذت خوبی برای من داشت ، بعد فرمود : غذا
 چه داری ، عرض کردم نان ، فرمود : نان خورش چه داری ،
 گفتم : پنیر ، فرمود : من پنیر نمی‌خواهم (۱) ، عرض کردم ماست
 هم از ایران آورد هام ، فرمود : بیاور ، گفتم اینکه از خود من
 نیست مال تمام اهل کاروان است ، فرمود : ما سهم خود را
 می‌خوریم ، دوسه لقمه خورد ، در این وقت چهار جوان
 صبیح که موهای پشت لبشان تازه سبز کرده بود ، درب -
 چادر آمدند ، با خود گفتم نکند اینها دزد باشند ، دیدم
 سلام کردند و آن شخص جواب داد ، خاطر جمع شد
 سپس نشستند و فرمود : شما هم چند لقمه بخورید ، آنها هم
 خوردند ، سپس آقا به آنها فرمود : شما بروید ، خدا حافظی
 کردند و رفتند ولی خود آقا ماند و در حالی که نگاه به من

۱- نویسنده گوید ، شاید بجهت کراهتی است ، که

برای اکل پنیر رسیده بتنهائی .

داشت سه نوبت فرمود : خوشا بحالت حاج محمد علی ، گریه راه گلویم را گرفت ، گفتم : از چه جهت ، فرمود : چون امشب کسی در این بیابان برای بیتوته نمی آید ، این شبی است که جدم امام حسین (ع) در این بیابان آمده ، بعد فرمود : دلت می خواهد نماز و دعای مخصوص که از جدم هست بخوانی ، گفتم : آری ،

فرمود : برخیز غسل کن و وضو بگیر ،

عرض کردم هوا طوری نیست که من با آب سرد بتوانم غسل کنم ، فرمود : من بیرون می روم تو آب سرد و گرم کن و غسل نما ، رفت منم بدون اینکه توجه داشته باشم چه میکنم و این کیست وسیله غسل فراهم کرده و غسل نمودم و وضو گرفتم دیدم آقا برگشت ، فرمود : حاج محمد علی غسل کردی و وضو ساختی ، گفتم : بلی ،

فرمود : دو رکعت نماز بخوان بعد از حمد ۱۱ مرتبه ۴۴
سوره قل هو الله و این نماز امام حسین است در این مکان ، بعد از نماز شروع کرد ، دعائی خواند که یکربع الی بیست دقیقه طول کشید ولی هنگام قرائت اشک مانند ناودان از چشم مبارکش جریان داشت ، هر جمله دعا که می خواند در ذهن من می ماند و حفظ می شد ، دیدم دعای خوبیست و مضامین عالی دارد و من با اینکه دعا زیاد می خواندم و با

کتب دعا آشنا بودم مانند این دعا برخورد نکرده‌ام لهذا در فکرم خطور کرد و تصمیم گرفتم فردا برای روحانی کاروان بگویم بنویسد ، لکن تا این فکر در ذهنم آمد آقا از فکر من خبردار شد برگشت و فرمود : این خیال را از دل بیرون کن زیرا این دعا در هیچ کتابی نوشته نشده و مخصوص امام (ع) است و از یاد تو می‌رود ، دعا تمام شد .

بعد از دعا نشستم عرض کردم آقا آیا توحید من خوبست که می‌گویم ، این درخت و گیاه و زمین و همه اینها را خدا آفریده ، فرمود : خوبست و بیشتر از این از تو انتظار نمی‌رود . عرض کردم ، آیا من دوست اهل بیت هستم ، فرمود : آری و تا آخر هم هستید و اگر آخر کار شیطانها فریب دهند آل محمد بفریاد می‌رسند .

عرض کردم ، آیا امام زمان در این بیابان تشریف می‌آورند ، فرمود : امام الآن در چادر نشسته ، با این که حضرت به صراحت فرمود اما من متوجه نشدم ، بعد گفتم : آیا فردا امام با حاجی‌ها در عرفات می‌آید ، فرمود : آری ،

گفتم : کجاست ، فرمود : در جبل الرحمه است ، عرض کردم اگر رفقا بروند می‌بینند ، فرمود : می‌بینند ولی نمیشناسند ، گفتم : فردا شب امام در چادرهای حجاج می‌آید و نظر دارد ، فرمود : در چادر شما چون فردا شب مصیبت عموم

حضرت ابوالفضل خوانده می‌شود امام می‌آید .
 بعداً دو اسکناس صد ریالی سعودی بمن داد و
 فرمود : يك عمل عمره برای پدرم بجای بیاور ، گفتم اسم پدر
 شما چیست ، فرمود : حسن ، عرض کردم اسم شما فرمود : سید
 مهدی ، قبول کردم آقا بلند شد برود ، بدرقه کردم او را تا
 دم چادر ، حضرت برگشت برای معانقه و با هم معانقه -
 نمودیم و خوب یاد دارم خال طرف راست صورتش را بوسیدم
 ، سپس مقداری پول خرد سعودی بمن داده فرمودند که
 برگرد ، تا برگشتم ، دیگر او را ندیدم ، اینطرف و آنطرف
 را نظر کردم کسی را نیافتم ، داخل چادر شدم و مشغول فکر
 که این شخص که بود ، پس از مدتی فکر با قرائن زیاد مخصوصاً
 نام مرا برد و از نیت من خبر داد و نام پدرش و نام خودش
 را بیان فرمود فهمیدم امام زمان علیه السلام بوده ، شروع
 کردم بگریه کردن ، یکوقت متوجه شدم شرطه آمده و می‌گوید :
 مگر دزد ها سروقت تو آمدند ، گفتم : نه ، گفت : پس چه
 شده ، گفتم : مشغول مناجات با خدایم ، بهر حال بیاد
 آنحضرت تا صبح گریستم و فردا که کاروان آمد قصه را برای
 روحانی کاروان گفتم او هم به مردم گفت : متوجه باشید که این
 کاروان مورد توجه امام است ، تمام مطالب را بروحانی کاروان
 گفتم فقط فراموش کردم که آقا فرموده فردا شب چون در چادر

- شما مصیبت عمومی خوانده می‌شود می‌آیم .
- شب شد اهل کاروان جلسه ای تشکیل و ضمناً حالت
 * توسل آن هم بحضرت عباس (ع) ، اینجا یادم آمد از بیان
 امام زمان هر چه نگاه کردم آن حضرت را داخل چادر ندیدم
 ، ناراحت شدم و با خود گفتم خدایا وعده امام حق است
 * بی اختیار از مجلس بیرون شدم ، درب چادر همان آقا را
 دیدم ، عرض ادب کرده می‌خواستم اشاره کنم مردم بیایند
 آن حضرت را به ببینند ، اما آقا اشاره کرد حرف مزین ، به
 * همان حال ایستاده بود تا روضه تمام شد و حضرت را دیگر
 ندیدم ، داخل چادر شده ماوقع را تعریف نمودم .

مرتبه دیگر :

باز از مواردی که خدمت حضرتش رسیدم ، در مسجد
 خیف در منی ، زیر طاق در حالی که احرام بسته بودم به برد
 یمانی و مشغول عبادت ، سلام کردم ، جواب فرمود و تبسم
 نمود ، در این حال خانمی از کاروان ما از دنبال مرا صدا
 کرد تا برگشتم برای جواب او دیگر هر چه نظر افکندم کسی
 را ندیدم و نمی‌دانم حضرت کجا رفت .

مرتبه سوم در مسجد جمکران

در همان جلسه مذکور گفته بود :

رفتم در مسجد جمکران قم اعمال را بجا آورده با همسرم می‌آمدم ، دیدم آقائی نورانی داخل صحن و قصد دارد طرف مسجد برود ، گفتم این سید در این هوای گرم تابستان از راه رسیده تشنه است ، ظرف آبی بدست او دادم تا بنوشد ، ظرف آب را پس داده گفتم : آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید تا امر فرجش نزدیک گردد ، فرمود : شیعیان ما باندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند ، اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد ، این را فرمود و تا نگاه کردم آقا را ندیدم فهمیدم وجود اقدس امام زمان را زیارت کردم و حضرتش امر بدعا نمود .

نویسنده گوید :

چنانچه در اول داستان اشاره کردم موارد زیادی این شخص خدمت امام زمان ارواحنا فداه رسیده ، چنانچه در کتاب داستانهای شگفت ، تألیف آیت الله دستغیب صفحه ۴۵۳ نیز دو داستان ذکر شده ، طالبین بآن مراجعه کنند.

تشریف احمد عسکری کرمانشاهی خدمت
حضرت و بناء مسجد امام حسن مجتبی
در قم و لیاقت حاج یدالله رجیبیان

اکثر مسافرینی که از قم به طهران و از طهران به قم

می آیند و اهالی قم اطلاع دارند اخیراً در محلی که سابقاً بیابان و خارج از شهر قم بود ، در کنار راه قم ، تهران سمت راست کسی که از قم به طهران می رود جناب حاج یدالله رجبیان از اخیار قم مسجد مجلل و باشکوهی را بنام مسجد امام حسن علیه السلام بنا کرده است که هم اکنون دائر شده و نماز جماعت در آن منعقد می گردد .

در شب چهارشنبه بیست و دوم ماه مبارک رجب سال ۱۳۹۸ مطابق هفتم تیرماه ۱۳۵۷ - حکایت ذیل را راجع به این مسجد شخصاً از صاحب حکایت آقای احمد عسکری کرمانشاهی که از اخیار و سالها است در طهران متوطن است در منزل جناب آقای رجبیان با حضور ایشان و بعض دیگر از محترمین شنیدم .

آقای عسکری نقل کرد ، حدود هفده سال پیش روز پنجشنبه ای بود ، مشغول تعقیب نماز صبح بودم در زدند ، رفتم بیرون دیدم سه نفر جوان که هر سه مکانیک بودند با ماشین آمده اند ، گفتند تقاضا داریم امروز روز پنجشنبه است با ما همراهی نمائید تا بمسجد جمکران مشرف شویم و دعا کنیم حاجتی شرعی داریم .

اینجانب جلسه ای که جوانها را در آن جمع می کردم و نماز و قرآن می آموختیم و این سه جوان از همان جوان ها

بودند ، من از این پیشنهاد خجالت کشیدم سرم را پائین انداختم و گفتم : من چکاره ام که بیایم و دعا کنم ، - بالاخره اصرار کردند و من هم دیدم نباید آنها را رد کنم موافقت کردم ، سوار شده بسوی قم حرکت کردیم .

در جاده طهران (نزدیک قم) ساختمان های فعلی نبود فقط دست چپ يك کاروانسرای خراب بنام قهوه‌خانه علی سیاه بود ، چند قدم بالا تر از همین جا که فعلاً (حاج آقا رجبیان) مسجدی بنام مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام بنا کرده است ماشین خاموش شد .

رفقا که هر سه میکانیک بودند پیاده شدند و کاپوت ماشین را بالا زدند و به آن مشغول شدند من از یکنفر بنام علی آقا يك لیوان آب گرفتم برای قضاء حاجت و تطهیر رفتم بروم توی زمین های مسجد فعلی دیدم سیدی بسیار زیبا و سفید ، ابروهایش کشیده ، دندانهایش سفید و خالی بر صورت مبارکش بود با لباس سفید و عبای نازک و نعلین زرد و عمامه سبز مثل عمامه خراسانیها ایستاده و با نیزه ای بقدر هشت نه متر بلند است زمین را خط کشی می‌نماید .

گفتم : اول صبح آمده است اینجا جلو جاده دوست و دشمن می‌آیند رد می‌شوند نیزه دستش گرفته است .

(آقای عسگری در حالیکه از این سخنان خود پشیمان

و عذر خواهی می‌کرد گفت :

عرض کردم ، عموزمان تانك و توپ و اتم است نیزه را آورد های چکنی؟! برو دَرست را بخوان ، رفتم برای قضاء حاجت نشستم ، صدا زد آقای عسکری آنجا نشین ، اینجا را من خط کشید هام و مسجد است .

من متوجه نشدم که از کجا من را می‌شناسد ، مانند يك بچه‌ای که از بزرگتر اطاعت می‌کند گفتم چشم و پا شدم ، فرمود: برو پشت آن بلندی رفتم آنجا پیش خود گفتم ، سر سؤال را با او باز کنم و بگویم : آقا جان سید فرزند پیغمبر برو و درست را بخوان ، سه سؤال پیش خود مطرح کردم .

۱- این مسجد را برای جن می‌سازی یا ملائکه که د و فرسخ از قم آمده ای بیرون زیر آفتاب نقشه می‌کشی ، درس نخوانده معمار شده ای؟!

۲- هنوز مسجد نشده چرا در آن قضاء حاجت نکم؟

۳- در این مسجد که می‌سازی جن نماز می‌خواند یا

ملائکه؟

این پرسش ها را پیش خود طرح کردم ، آمدم جلو و سلام کردم ، بار اول او ابتداء به سلام کرد ، نیزه را بزمین فرو برد و مرا بسینه گرفت ، دست هایش سفید و نرم بود چون این فکر را هم کرده بودم که با او مزاح کنم ، چنان که

در طهران هر وقت سیدی شلوغ می‌کرد می‌گفتم : مگر روز چهارشنبه است ، می‌خواستم بگویم ، روز چهارشنبه نیست پنج‌شنبه است آمده ای میان آفتاب ، بدون این که عرض کنم تبسم فرمود و گفت : پنج‌شنبه است ، چهارشنبه نیست سپس فرمود : سه سئوالی که داری بگو !! من متوجه نشدم که قبل از آنکه سئوال کنم از مافی الضمیر من اطلاع داد گفتم : سید فرزند پیغمبر درس را ول کرده ای اول صبح آمده ای کنار جاده ، نمی‌گوئی این زمان تانک و توپ ، دیگر نیزه بدر نمی‌خورد و دوست و دشمن می‌آیند رد می‌شوند ، برو درست را بخوان ؟

خندید ، چشمش را بزمین انداخت و فرمود : دارم نقشه مسجد می‌کشم ، گفتم : بفرمائید به بینم اینجا که من می‌خواستم قضاء حاجت کنم هنوز مسجد نشده است ؟ فرمود : یکی از عزیزان فاطمه زهراء علیها السلام در اینجا بز زمین افتاده و شهید شده است ، من مربع مستطیل خط کشیدم و اینجا محراب و اینجا که می‌بینی قطرات خون است که مؤمنین می‌ایستند ، اینجا که می‌بینی مستراح می‌شود ، و اینجا دشمنان خدا و رسول به خاک افتاده‌اند ، همینطور که ایستاده بود برگشت و مرا هم برگرداند ، فرمود : اینجا می‌شود حسینی و اشک از چشمانش جاری شد ، من هم بی

اختیار گریه کردم .

فرمود : پشت اینجا می شود کتابخانه ، تو کتابهایش را می دهی ؟ گفتم : پسر پیغمبر به سه شرط ، اول این که من زنده باشم ، فرمود : انشاء الله ، دوم آنکه اینجا مسجد شود ، فرمود : باريك الله ، سوم آنکه بقدر استطاعت ولو يك كتاب شده برای اجرای امر تو پسر پیغمبر بیاورم ولی خواهش می کنم برو درست را بخوان ، آقا جان این هوا را از سرت دور کن .

خندید و دو مرتبه مرا بسینه خود گرفت ، گفتم : آخر نفرمودید اینجا را کی می سازد ؟ فرمود : ید الله فوق اید یهم . گفتم : آقا جان من اینقدر درس خوانده ام یعنی دست خدا بالای همه دستهاست ، فرمود : آخر کار می بینی وقتی ساخته شد به سازنده اش از قول من سلام برسان بعد دو مرتبه دیگر هم مرا بسینه گرفت و فرمود : خدا خیرت دهد . من آمدم رسیدم سرجاده دیدم ماشین راه افتاده گفتم : چطور شد ، گفتند : يك چوب کبریت گذاشتیم زیر این سیم وقتی آمدی درست شد ، گفتند : با کی زیر آفتاب حرف می زدی ، گفتم : مگر سید باین بزرگی را با نيزده ده متری که دستش بود ندیدید ؟

من با او حرف می زدم ، گفتند : کدام سید ، خودم

برگشتم دیدم سید نیست ، زمین مثل کف دست پستی
و بلندی نبود هیچ کس نبود .

يك تکانی خوردم آمدم توی ماشین نشستم و دیگر با
آنها حرف نزدم ، حرم مشرف شدیم نمودانم چطوری نماز
ظهر و عصر را خواندیم ، بالاخره آمدیم جمکران و ناهار
خوردیم ، نماز خواندیم گنج بودم ، رفقا با من حرف میزدند
من نمی توانستم جوابشان را بدهم .

در مسجد جمکران يك پیرمرد يك طرف من نشسته و
يك جوان طرف دیگر و من هم وسط ناله می کردم ، گریه میکردم
نماز مسجد جمکران را خواندم می خواستم بعد از نماز بسجده
بروم صلوات را بخوانم دیدم آقای سید که بوی عطر
می داد ، فرمود : آقای عسکری سلام علیکم ، نشست پهلوی من
تن صدایش همان تن صدای سید صبحی بود ، بمن نصیحتی
فرمود ، رفتم به سجده ذکر صلوات را گفتم دلم پیش آن آقا
بود سرم به سجده گفتم ، سر را بلند کنم و بپرسم شما اهل
کجا هستید و مرا از کجا می شناسید ، وقتی سر بلند کردم
دیدم آقا نیست ، به پیرمرد گفتم : این آقا که با من حرف
می زد کجا رفت او را ندیدی ؟ گفت : نه ، از جوان سؤال
کردم او هم گفت ندیدم ، يك دفعه مثل اینکه زمین لرزه
شد تکان خوردم فهمیدم که حضرت مهدی علیه السلام بوده

حالم بهم خورد ، رفقا بردند آب بر سر و رویم ریختند
گفتند چه شده ؟

خلاصه نماز را خوانده بسرعت بسوی طهران برگشتیم .
مرحوم حاج شیخ جواد خراسانی را لدی الورد به
طهران ملاقات کردم و ماجری را برای ایشان تعریف کردم و
خصوصیات را از من پرسید ، گفت : خود حضرت بوده اند
حالا صبر کن اگر آنجا مسجد شد درست است .

مدتی قبل روزی یکی از دوستان پدرش فوت کرده بود
باتفاق رفقای مسجدی ، او را آوردیم قم به همان محل که
رسیدیم ، دیدم دو پایه بالا رفته است خیلی بلند ، پرسیدم
گفتند : این مسجدی است بنام امام حسن مجتبی علیه السلام
پسرهای حاج حسین آقا سوهانی می سازند و اشتباه گفتند
، وارد قم شدیم جنازه را بردیم باغ بهشت دفن کردیم ، من
ناراحت بودم ، سر از پا نمی شناختم به رفقا گفتم ، تا شما
می روید ناهار بخورید من الآن می آیم ، رفتم سوهان فروشی
پسرهای حاج حسین آقا سوهانی پیاده شدم ، به پسر حاج
حسین آقا گفتم : اینجا شما مسجد می سازید ؟ گفت : نه ،
گفتم : این مسجد را کی می سازد ؟

گفت : حاج یدالله رجبیان ، تا گفت یدالله قلبم به
زدن افتاد ، گفت : آقا چه شد ، صدلی گذاشت نشستم

خیس عرق شدم ، با خود گفتم ، یدالله فوق ایدیهم
فهمیدم حاج یدالله است ، ایشان را هم تا آن موقع ندیده
بودم و نمی شناختم ، برگشتم به طهران و به مرحوم حاج شیخ
جواد گفتم .

فرمود : برو سراغش درست است ، من بعد از آن که
چهارصد جلد کتاب خریداری کردم رفتم ، قم ، آدرس محل
کار (پشمبافی) حاج یدالله را معلوم کردم رفتم کارخانه ، از
نگهبان پرسیدم ، گفت : حاجی رفت منزل ، گفتم : استدعا
می کنم تلفن کنید و بگوئید ، یکنفر از طهران آمده با شما کار
دارد ، تلفن کرد حاجی گوشی را برداشت ، من سلام کردم
و گفتم : از طهران آمده ام چهارصد جلد کتاب وقف این
مسجد کرده ام کجا بیاورم ؟

فرمود : شما از کجا اینکار را کردید و چه آشنائی با ما
دارید ؟ گفتم : حاج آقا چهارصد جلد کتاب وقف کرده ام
گفت : باید بگوئید مال چیست ؟

گفتم : پشت تلفن نمی شود ، گفت شب جمعه آینده
منتظر هستم کتابها را بیاورید ، منزل چهارراه شاه کوچه
سرگرد شکرالهی ، دست چپ درب سوم (البته الآن نامش
تغییر کرده است)

رفتم طهران کتابها را بسته بندی کردم و روز پنجشنبه

با ماشین یکی از دوستان آوردم قم منزل حاج آقا
ایشان گفت : من اینطور قبول نمی‌کنم ، جریان را بگو بالاخره
جریان را گفتم و کتابها را تقدیم کردم ، رفتم در مسجد هم
دو رکعت نماز خواندم و گریه کردم .

مسجد و حسینیه را طبق نقشه‌ای که حضرت کشیده
بودند حاج یدالله بمن نشان داده و گفت : خدا خیرت
بدهد ، تو بعهدت وفا کردی . این بود حکایت مسجد امام
حسن مجتبی علیه السلام که تقریباً بطور اختصار و خلاصه -
گیری نقل شد .

نویسنده گوید :

این داستان را از کتاب " پاسخ ده پرسش " پیرامون
امامت و خصائص حضرت مهدی علیه السلام تألیف آیت الله
لطف الله صافی نوشتم و البته قصه کوتاه دیگر درباره ساختمان
مسجد فوق الذکر بدنبال همین داستان نقل شده که بخاطر
جنبه اختصار از ذکر آن معذوریم - طالبین مراجعه نمایند
صفحه ۴۰ .

دختر سیزده ساله و شفای او
بدست حضرت مهدی علیه السلام

مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر رشاد که این معجزه را
در جزوه ای بنام البشاره نوشته ، در اول داستان چنین
می نویسد :

و چون این واقعه در میان خانوادگی و فامیل ما اتفاق
افتاد و در منظر و مرآی ما واقع شد ، فلذا وجدان و ایمان
و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و علاقه مفراط به
پیروان و پناهندگان به آن آستان مرا ملزم نمود که واقعه را با
يك بیان ساده و روشن برای ارادتمندان آن خاندان نقل
کنم و دلایل قطعی واقعه را (نوشته های اطباء با توجه به
نوار از جمجمه مریض قبل از بهبودی و نوشته های اطباء با
توجه به نوار از جمجمه مریض بعد از بهبودی با بذل توجه
امام عصر عجل الله تعالی فرجه) هم ضمیمه کرده بنظر عموم
خوانندگان برسانم تا مصداق بشارت قرآن مجید را به رأی
العین مشاهده نمایند .

ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا

جریان واقعه

دختر سیزده ساله بنام صدیقه مقدم فرزند آقای حاج

جعفر آقای مقدم زنجانی ساکن تهران ، چهار راه
 پمپ بنزین امریه ، کوچه خادم آزاد ، پلاک ۳۷ / ۱ از ماه
 اردیبهشت سال ۱۳۴۹ دچار تشنجات شدید می‌شود و
 در طی مدت در حدود چهار ماه به اطباء متعدّد از قبیل
 آقایان : دکتر علی دیوشل - پروفیسور دکتر ابراهیم سمیعی
 (متخصص جراحی اعصاب) مراجعه و تحت درمانهای گوناگون
 قرار می‌گیرد ، بالاخره در تاریخ ۱۶ / ۶ / ۴۹ با آقای دکتر
 رضا خاکی (متخصص جراحی مغز و اعصاب) مراجعه نموده
 (البته کلیشه های هر يك در آن جزوه آورده شده) نامبرده
 بیماری صدیقه مزبوره را صرع تشخیص داده و برای تأیید و
 تسجیل بیماری مذکور وی را جهت گرفتن نوار مغز (الکترو
 آنسفالوگرام) نزد آقای دکتر صادق صبا (عضو انجمن -
 فرانسوی و فدراسیون بین المللی متخصصان در اعصاب و
 الکترو آنسفالوگرافی) اعزام می‌دارد ، پزشك اخير در تاريخ
 ۴۹ / ۷ / ۵ پس از گرفتن نوار مغز (الکترو آنسفالوگرافی)
 بطور قطع بیماری دوشیزه مزبور را صرع تشخیص می‌دهند
 (شرحی که آقای دکتر صادق صبا راجع به این موضوع و علائم
 بیماری نوشته عیناً گراور گردیده)

پس از مسجل شدن تشخیص صرع بانظر پزشك معالج
 (آقای دکتر رضا خاکی) تحت درمان با داروهای (ضد صرع)

قرار می‌گیرد (نسخه ها عیناً با کلیشه در همان جزوه
گراور شده) .

و تا مدت یکماه داروهای مزبور را مصرف می‌کند و در
این مدت مختصری از شدت تشنجات کاسته می‌شود ، و با
قطع دارو مجدداً حملات شدید بیمار شروع میشود ، بالاخره
از مداوا مأیوس گردیده و تشنجات صرعی با شدت هر چه
تمامتر ادامه پیدا می‌کند . اتفاقاً این حالت شدت مرض و
سختی بیماری مصادف می‌شود با رسیدن ماه مبارک رمضان
که فصل بر پا شدن مجالس دعا در مساجد و اجتماعات برای
تضرع و زاری بدرگاه حضرت حق تعالی و شیوع تبلیغات
مذهبی می‌باشد و مبلغین هم بعد از بیانات مطالب مربوط
باصول و فروع مواظبت کامل دارند ، بر اینکه مردم را بتوسل
و التجاء بآل محمد (ص) ترغیب و تحریص بنمایند و طبق
همین برنامه عمومی و سیره جاریه مردم ، بیمار مزبور هم بایک
قلب پر از ملامت و مملو از غم و غصه و با دلشکستگی به یکی
از مساجد می‌رفته و ناله و زاری می‌کرده تا روز جمعه می‌رسد
چون آقایان مبلغین روزهای جمعه بیاتاتشان تقریباً مخصوص
به امام عصر می‌باشد .

بیمار مزبور چون از هر وسیله مأیوس بوده در آه و زاری
قرار می‌گیرد بایک حالت اضطراب و بیچارگی از صمیم قلب

بحضرت ولی عصر (ع) ملتجی شده و بذل توجه آن حضرت را خواستار می‌شود .

همان شب یعنی شب شنبه مادرش می‌بیند که صدیقه دفعهٔ سر از متکا برداشت و نشست و شروع بحرف زدن نمود مثل اینکه دارد با کسی صحبت می‌کند ، مادر بخیال آنکه صدیقه دیوانه شده ، صدیقه بعد از بیدار شدن و بهوش آمدن می‌گوید :

الآن امام زمان (ع) اینجا بود و بسر من دست کشید و فرمود که بتوشفا دادم ، دیگر مریض نیستی (مطالب دیگر و بعض دستورات هم نقل می‌کند که شرحش مورد احتیاج نیست) و از آن ساعت آثار بیماری و تشنجات به کلی مرتفع و بهبودی حاصل و تا امروز که تقریباً ششماه از این ماجری می‌گذرد اثری از آن بیماری نیست .

این واقعه که با اطلاع آقایان دکتر خاکی و اطبائی که سابقه داشتند می‌رسد همگی کاملاً تعجب کرده و به احراز اثر مؤثر واقعی مایل و شایق می‌شوند ، بخصوص دکتر معالج (آقای دکتر رضا خاکی) آقای حاج جعفر بیمار را مجدداً بنزد آقای دکتر خاکی برده بعد از معاینات دقیق با کمال تعجب گفت که علائم بیماری بکلی رفع شده و برای تکمیل تشخیص ، بیمار را جهت گرفتن نوار مغز (الکتروانسفالوگرام) مجدداً

در تاریخ ۲۹ / ۱ / ۵۰ نزد آقای دکتر قائمی متخصص
جراحی اعصاب اعزام نمود و عین کلیشه موجود را می‌نگارم :
استاد محترم جناب آقای دکتر قائمی

دوشیزه صدیقه در حدود هشت ماه حملات قبل اپی
لپسی و باره دست راست داشت که (الکتروانسفالو
گرام) انجام شد صرع تامپورال و حملات صرع بزرگ
توسط جناب آقای دکتر صبا اظهار شده ، بیمار در
مدت یکماه که تحت درمان بود و یکبار هم ایشان را
نزد جناب عالی آوردم با دارو و صرعش کنترل نشد، و باره
شدت پیدا کرد ، بطوری که من ایشان را برای آنژلو
گرافی راهنمایی نمودم ، ولی از پنجمه قبل بطور
ناگهانی حملات قطع شده و باره ندارد ، خواستم
جهت تأیید یا رد تشخیص قبلی مجدداً در صورت
امکان دستور **EFG** فرمائید .

با احترام و تشکر - دکتر خاکی

۵۰ / ۱ / ۱۶

آقای دکتر قائمی چنین اظهار نظر می‌کند :

نوار قبلی واقعاً غیر طبیعی و صرعی بوده است و در
نوار فعلی آثار مرض دیده نمی‌شود و طبیعی است
(عین گواهی آقای دکتر خاکی مبنی بر طبیعی شدن

نوار مجدد مغز (الکترو آنسفالو گرام) و اینکه نوار
 قبلی آثار مرض و غیر طبیعی بودن و داشتن حملات
 صرعی را نشان می داد. و بدون مصرف کردن دارو
 بیمار بهبودی حاصل شده گراور گردیده در آن جزوه
 - والسلام .

* *

((معجزات))

((آن حضرت "عج"))

» » » » » » » » » » » » » » » »

((شفاء گرفتن يك زن در قم)) :

» » » » » » » » » » » » » » » »

یکی از معجزات حضرت بقیة الله در سالهای اخیر این معجزه است که خود حقیر از صاحب قصه عالم فاضل کامل جناب آقای متقی همدانی اصل آن را که بصورت فتوکی درآمده - و در دسترس بعضی قرار داده شده گرفته و عیناً در اینجا درج مینمایم امید است باعث عبرت همگی گردیده و خداوند ما را هم از این فیض عظام و زیارت حضرتش محروم نفرماید :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين وعلى آله الطيبين حجج الله ومظاهر قدرته الأئمة الطاهرين واللعنة على أعدائهم والمنكرين لفضائلهم

والشاکین فی مقاماتهم العالیة الشامخة آمین :

شرح توسلّیکه به کهف حصین و غیاث مضطرّ مستکین امام منتظر و حجت ثانی عشر امام العصر و ناموس الدهر صاحب الزمان ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء نمودم از قرار ذیل است :

روز دو و شنبه هیجدهم ماه صفر از سال هزار و سیصد و نود هفت هجری مهمی پیش آمد که مرا و صدها نفر دیگر را نگران نموده ، یعنی همسر این جانب محمد متقی همدانی در اثر غم و اندوه و گریه و زاری دو سال که از داغ دو جوان خود که در یک لحظه در کوههای شمیران جان سپردند ، در این روز مبتلا به سکتة ناقص شد و البته طبق دستور دکترها مشغول به معالجه و مداوا شدیم ولی نتیجه ای بدست نیامد .

تا شب جمعه ۲۲ همین ماه یعنی پس از چهار روز از -
حادثه سکتة ساعت یازده شب جمعه بود که بناچار با خاطری خسته و دلی شکسته رفتم در غرفه خود بیاسایم متوجه شدم شب جمعه است شب دعا و نیایش است ، شب توسّل و توجه است -
پس از قرائت چند آیه از قرآن مجید و دعاء مختصری از دعا های شبهای جمعه متوسّل شدم به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و با

دلی پر از اندوه بخواب رفتم چهار بعد از نیمه شب جمعه طبق معمول بیدار شدم ناگه احساس کردم که از اطاق پائین که مریضه در آنجا بود صدا وهمهمه می‌آید ، سروصدا قدری بیشتر شد وساکت شدند من گمان کردم میهمان از همدان یا تهران آمده اعتنائی نکردم تا اول اذان صبح رفتم پائین وضو بگیرم دیدم چراغهای حیاط روشن است وصبیه بزرگم قدم میزند واورا پس از مرگ برادرهایش خوش حال ندیده بودم ، دیدم بر خلاف انتظار خوشحال ومتبسم قدم میزند پرسیدم : چرا نمی خوابی؟ گفت : پدر جان خواب از سرم رفت ، گفتم : چرا؟ گفت : بخاطر اینکه مادرم را چهار بعد از نیمه شب شفا دادند ، من منتظر بودم که شما بیائید به شما مژده دهم ، گفتم (که) شفا - داد گفت :

مادرم چهار بعد از نیمه شب با شدت اضطراب ما را بیدار کرد که برخیزید آقا را بدرقه کنید ، من بیدار شدم همگی بیدار شدیم ناگهان دیدیم مریضه برخلاف انتظار با آنکه قدرت نداشت از جا حرکت کند از اطاق بیرون زد ، من که ملازم مادر بودم اورا دنبال کردم ، نزدیک درب حیات به او رسیدم مادر جان کجا میروی آقا ، کجا بود .

مادر گفت : آقائی ، سید جلیل القدری در لباس اهل علم آمد به بالینم گفت : برخیز ، گفتم : نمیتوانم ، با لحن تندتری گفت

: برخیز دیگر گریه نکن و دوا هم نخور، من از مهابت آن بزرگوار
 برخاستم فرمود: دیگر گریه نکن، دوا هم نخور همینکه رو کرد
 بطرف درب اتاق، من شمارا بیدار کردم، از آقا تجلیل کنید،
 و او را بدرقه کنید لکن شما دیر جنبیدید خودم بدرقه کردم،
 هنگامیکه متوجه شد نزدیک درب حیات ایستاده میگوید: زهرا
 من خواب می بینم یا بیدارم من خودم تا اینجا آمدم، زهرا
 دخترش میگوید مادر جان ترا شفا دادند مادرا با تاق میآورد.
 آقای حاجی مهدی آقا برادر این بانواز شوق گریبان
 میشود (۱).

مهندس خواهر زاده مریضه حالت بهت به او دست
 میدهد زیرا می بیند مریضه که چهار روز قدرت بر حرکت
 نداشت چگونه از جا برخواست، رنگش زرد بود برونک طبیعی
 برگشت چشمش غبار آورده بود غبار آن برطرف، نابینا بود
 بینا شد.

(۱): مخفی نماند که آقای حاجی مهدی آقای کاظمی که
 از تجار و از محترمین شهر تهران بشمار میرود به اتفاق خواهر
 زاده خود آمده بودند از تهران، در همین شب که خواهر را
 بوسیله ماشین خود برای معالجه به تهران ببرند، ولی قبل
 از آنکه صبح فرا رسد خداوند شفا داد.

چهار روز بود که اصلاً میل به غذا نداشت در این وقت از شب از آنها غذا میخواهد ، با گفتن يك كلمه گریه مکن آن همه اندوه و غم از دل او بیرون رفت .

این همه تحوّل آقای مهندس و بقیه اهل خانه را سراسیمه و مبہوت میکند ، پس از چندی معلوم شد ، آن کسالت روماتیسم که چند سال بود دامنگیرش بود با يك كلمه شفا یافتن از - استخوانهای او میگزیزد .

الحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين لا سيما امام العصر ونا موسى الدهر حجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالى فرجه .

ضمناً ناگفته نماند که آقای دکتر دانشور که یکی از دکترهای معالج ایشان بود ، در ماه فاطمیه در مجلسی که بشکرانه این کرامت منعقد شده بود ، در منزل تشریف داشتند از ایشان سؤال شد که آیا ممکن بود این مرض خود بخود برطرف شود ایشان در جواب فرمودند با معالجه قابل بهبود نبود و از راه عادی فقط باید با خرق عادت این کسالت برود .

تمام شد اصل نوشته .

نام مرض را گفته بود و ایشان فراموش کرده بود، که قابل معالجه نیست تصمیم گرفتم برای زیارت امام رضا (علیه السلام) به مشهد بروم، با وسیله خودم حرکت کردم تا بمشهد رسیدم برای زیارت رفتم و زیارتی انجام داده بیرون آمدم.

در بین راه که میرفتم مجلس روضه ای دیدم واعظی بالای منبر بارشاد مردم مشغول، گفتم: چند لحظه ای بنشینم و استفاده کنم بتناسب روز جمعه واعظ مطالبی پیرامون - مقام حضرت حجت (ع) بیان کرده تا به این جمله رسید که خطاب به جمعیت فرمود:

زائری که برای زیارت ثامن الحجج آمده اید بدانید برای شفای دردها و رفع گرفتاریها لازم نیست به مشهد بیایید و درد دل با آقا علی بن موسی (ع) کنید بلکه ما امام حی و زنده داریم! ما امام زمان داریم که هر کجا با حقیقت توسل به او پیدا کنید بداد میرسد.

این جمله چنان در دل من اثر گذاشت که تصمیم گرفتم از درد خدمت امام هشتم (ع) حوفی نزنم و گفتم راست میگوید این واعظ، منم برمیکردم و با امام زمان در میان میگذارم.

پس از زیارت دیگر وبازگشت بتهران و خانه یکشب در حالیکه تنها بودم توسل با امام زمان پیدا کردم و درد دل با آقا

گفتم مرا خواب در گرفت در عالم رؤیا دیدم کأن در قم آمده ام وارد صحن شدم ناگاه از درب دیگر دیدم آقای وارد صحن شد ، گفتند : این آقا مقدّس اردبیلی است ، من نام او را شنیده بودم و میدانستم او خدمت امام زمان (ع) - ریاد رسیده بعجله خودم را باورساندم وبعد از سلام مقدّس اردبیلی را قسم دادم بآنکه که بمن توجه کند ، فرمود : بخود آقا و امام حی چرا نمیگویی ؟ گفتم : منکه نمیدانم آقا کجاست ، فرمود : يك ساعت باذان صبح همیشه در مسجد خودش تشریف دارد یعنی مسجد جمکران آنطرف قم ، من نگاه به ساعت کردم دیدم یکساعت ونیم باذان صبح است ، پیش خود گفتم : اگر الآن بانجا بروم نیمساعته میرسم ، رفتم بطرف مسجد جمکران تا وارد شدم در صحن مسجد بالا رفتم از پله ها (الآن بناء را تغییر داده اند) پشت شیشه ها دیدم چند نفر رو به قبله نشسته و مشغول ذکرند داخل مسجد شدم ، دیدم یکی از آنها مقدّس اردبیلی است که الآن در صحن بود ، سلام کردم ، مقدّس اشاره کرد : بیا بعد به یکی از آن آقایان گفت : این مرد از من خواست و من آدرس داده ام تا باینجا آمده فهمیدم آن آقا امام زمان است شروع کردم بگریه کردن و آقارا قسم دادن بحق جدش امام حسین (علیه السلام) که درد مرا شفا بده آقا

بدون اینکه بگویم دردم کجاست موضع درد را مستقیم دست گذاشت و فرمود : شما سالم شدی، از شوق شفا یافتن از خواب بیدار شدم و از آن موقع تا حال مثل اینکه من چنان مرضی نداشتم و شفا گرفتم لهذا بعشق و علاقه بحضرتش و اینکه این مسجد اینقدر مورد توجه امام زمان ارواحنا فدا ه می باشد از تهران هر شب جمعه می آیم و پس از خاتمه عمل مسجد به تهران برمیگردم.

نویسنده گوید : گرچه حکایاتی از توجه ولی عصر (علیه السلام) در همین عصر و زمان نسبت بافراد با ایمان داشتم لکن چون بنا به اختصار است صرف نظر می کنم.

* *

*

((نماز حضرت حجت (علیه السلام) در مسجد جمکران))
" "

شیخ مرحوم در نجم الثاقب کیفیت بناء این مسجد شریف را با مر امام صاحب الزمان (علیه السلام) نقل کرده در حکایت اول از باب هفتم، و در آن حکایت است که آن جناب فرمود بحسن مثل جمکرانی، مرد مرا بگو تا رغبت کنند بدین موضع عزیز دارند، و چهار رکعت نماز اینجا بگذارند، دو رکعت تحیت مسجد در هر رکعتی یکبار ((الحمد)) و هفت بار ((قل هو الله احد)) و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند، و دو رکعت نماز امام صاحب الزمان (علیه السلام) بگذارند، بر این نسق چون فاتحه خواند به ((لیاک نعبد و لیاک نستعین)) رسد صد بار بگوید و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند، و در رکعت دوم نیز بهمین طریق بگذارد، و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید، و چون نماز تمام کرده باشد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) و چون از تسبیح فارغ شود سر بسجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش

صلوات الله عليهم بفرستد و این نقل از لفظ مبارك امام
(عليه السلام) است که :

((فمن صلاهما فكأنما صلى في البيت العتيق))

یعنی : هر که این دو رکعت نماز را بگذارد همچنین
باشد که دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد (۱) .

نویسنده گوید : بنابراین در نماز امام زمان سوره را
باید بقصد رجاء بخواند نه بقصد ورود .

* *
*

توجهات حضرتش يك عامل و يك توطئه از صدها عوامل و توطئه خطرناك همچون واقعه طبس و نقشه کودتا و حادثه کردستان و سنندج و پاوه و بمب گذاریهای پی در پی و دشمنان داخلی و خارجی و ۰۰۰ کافی بود تا این انقلاب از بین برود .

جبهه های جنگ

اکنون هم یاری حضرتش را در جبهه های جنگ - سربازان جانباز و با وفایش هر لحظه بچشم می بینند آنهایی که بنام و بیاد حضرتش می جوشند و می خروشدند و بقلب کفار می زنند و فتح می کنند و ارتفاعات را یکی از پس از دیگری می گیرند ، و آنها که گلوله توپ را بیاد حضرتش می بوسند و می گویند این بنام صاحب ما امام زمان ارواحنا فداه شاهد شگفتیها هستند و امیدشان آنست که با این انقلاب راه را برای انقلاب کلی حضرتش آماده کنند و مقدمه انقلاب او باشند .

جبهه جنگ و مناجات ، جبهه جنگ و دعای کمیل ، جبهه جنگ و دعای ندبه و سمات ، جبهه جنگ و زمزمه های عاشقانه یا مهدی ، آری این نیست مگر علاقه و عشقی که از این جانبازان راه حق و حقیقت نسبت به خدا و پیامبر و

دودمان پاك رسالت و مخصوصاً علاقه به امام زمان و
نوایش در دل آنهاست .

چه خوبست . . .

چه خوبست هم ما بیاد حضرتش بیش از پیش باشیم
و انتظار فرجش را که بر هر فردی لازم است بیشتر داشته و
در خواستمان در این زمینه از خدا زیادتر که هر چه زودتر
آن منجی هدایت انسانها را برساند و دنیا را بنور وجودش
از تمام ظالمین و دیکتاتورها و مستکبرین نجات دهد .

نیمه شعبان

شیعیان و مؤمنان به حضرت ولی عصر همیشه عشق
ورزیده مخصوصاً شب و روز نیمه شعبان را جشن می گیرند و
چراغانی می کنند ، و بدین وسیله علاقه خود را بعدل و داد
، صلح و برادری به ملل جهان اعلام و روح امیدوار و شکست
ناپذیر خود را آشکار می سازد .

ای ولی عصر ، ای مهدی موعود ، همه شیعیان و
دوستانت آرزومند و منتظرند که بامداد سعادت آنها و
همه مردم جهان طلوع کند و با قیام تو ، قیام درد هایشان
درمان پذیرد . و عوامل محرومیت و ناکامی و بیچارگی در
همه جهان .

همه جهان از بین برود و پرچم توحید و عدل و صلح
اسلامی در سراسر گیتی به احتزاز درآید . . . بامید آنروز .



اشعار

((تو قدم بچشم من نه بنشین کنار جوئی))

همه هست آرزویم که بینم از نوروئی
چه زیان ترا که منم برسم بارزوئی
بکسی جمال خود را ننموده ای و بینم
همهجا پهرزیانی بود از تو گفتگوئی
غم ورنج و درد و محنت همه مستعد قلم
تو بیر سراز تن من بیر از میانه گئی
بره تو بسکه نالم زغم تو بسکه جویم
شدهام ز ناله نالی شدهام زمویه موئی
همه خوشدل اینکه مطرب بزند بتارچنگی
من از این خوشم که چنگی بزنم بتارموئی
چه شود که راه یابد سوی آب تشنه کامی
چه شود که کام جوید ز لب تو کام جوئی
شود اینکه از ترحم دمی از سحاب رحمت
من خشک لب هم آخرز تو تر کنم گلوئی

بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت
 سرخم می سلامت شکند اگر سبوی
 همه موسم تفرج بچمن روند و صحرا
 تو قدم بچشم من نه بنشین کنار جو
 (رضوانی شیرازی)

ای بهتر از فرشته بزیبائی
 تا چند خو گرفته به تنهائی
 خود رفته ای نهان بحجاب اندر
 جمعی نموده واله و شیدائی
 پرده بهل جمال دل آ را را
 کز دست شد توان و شکیبائی
 بنمای آن دو سنبل مشکین را
 بشکن بهار سنبل صحرائی
 مانند سر و قد تو در بستگان
 سر وی نرسته است بر عنائی
 ز اول نموده عشق تو ام رسوا
 شادم از این فضیلت و رسوائی
 دیدن کجا تواند یوسف را
 آن را که نیست دید زلیخائی

خوبان روزگار دل مارا
 بردند و می برند بیغمائی
 (حسین هروی)

* *

((حجت قائم امام منتظر آید))
 مژده دهم موسم خزان بسر آید
 موکب سلطان گل بکبر و خرا آید
 گلشن دین گرخزان ز جو زمان است
 باد بهاری در عاقبت ز در آید
 حضرت صاحب زمان خلیفه رحمان
 مهدی موعود شاه بحر و بر آید
 دیده بشد تار از انتظار که شاید
 دوره مهجوریش بوصل بر آید
 بر سر راهش بانتظار نشینی م
 شاید از آن یار مهربان خبر آید
 گرچه ز هجراندوست دل نشد پر خول
 مژده بیاران دهم که هجر سر آید
 وعده حتم است از خدا و رسولش
 حجت ثانی عشر به تخت بر آید

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر
 بار دگر روزگار چون شکر آید
 ظلمت این شام منقضی شود آخر
 ماه ز پشت سحاب جلوه گر آید
 منتظران را زمان غصه شود طی
 باغ شود سبز و باغبان ز در آید
 شاه دو عالم بامر خالق سبحان
 حجت قائم امام منتظر آید
 غم مخور (علامه) صبر کن که امیدت
 روز خوشی میرسد که در ثمر آید
 (علامه)

* *

((در کعبه کوی تو می بینم))
 هر جا که بسوی تو میبینم
 یکجا همه روی تو میبینم
 دریای محیط دو گیتی را
 یکقطره ز جوی تو می بینم
 طغرای صحیفه هستی را
 در طره موی تو میبینم

ارکان اریکه هشتاد و نه را
 در کعبه کوی تو میبینم
 از صبح ازل تا شام ابد
 يك نغمه ز هوی تو میبینم
 نبود عجب ارحم گردون را
 سرشار سبوی تو میبینم
 من مفتقر سودا زده را
 شوریده بوی تو میبینم

(دیوان کمپانی / ص ۳۹۹)

امروز خانه دل نور وضیاء ندارد
 جائیکه دوست نبود آنجا صفا ندارد
 شهری است پراز آشوب کاشانه‌های لکنکوب
 آن دل که تغافل شوق لقا ندارد
 دزدان بخانه دل هر سو نموده منزل
 آن بدر صدر محفل در خانه جاندار
 شهباز پر شکسته گردیده زار و خسته
 از دست ظلم جفدان یکدم رهاندار

آن پیشوای مردان مرغ هزارستان
 یکسو نشسته خاموش شور و نوا ندارد
 ای پادشاه دوران عزت بده بقرآن
 دیگر بچشم خلقان قدر و بها ندارد
 از دست رفته اسلام احکام گشته گمنام
 دیگر بغیر صمصام چون و چرا ندارد
 ای آیت الهی بر بی کسان پناه—
 خیر از تو دوستانت هیچ التجا ندا^{رد}
 از جور دشمن دون هستم زار و دلخون
 در یاب عاجزی را کو دست و پا ندا^{رد}
 هر چند پرگنار هم از دوستان شاهیم
 جز لطف تو تمنا این بی نوا ندا^{رد}
 از ما خطا و لغزش از تو است عفو و بخشش
 سلطان بزیرستان جز این رواندا^{رد}
 آقا فقیر کویت سوزد در آرزوی—
 جز دیده ئی برویت چشم عطاندا^{رد}

(حاج میرزا علی اکبر توقانی)

از عالم بالا خبری می آید
 وز شاخه توحید بری می آید
 بر عالمیان را راهبری می آید
 یعنی که ز نرگس پسری می آید
 (دکتر ناظرزاده کرمانی)

* *

((انتظار مقدم))

ای که کوی تو کوی امن و امان
 وی که روی تو، معنی ایمان
 همه در انتظار مقدم تو
 حجة بن الحسن امام زمان

* *

گزد ست شد توان وشکیبائی

بنما بما تو گونه رنگی—ن را

ظاهر نمای ساعد سیمی—ن را

برهان ز غصه چون من غمگین را

بنمای آن دو سنبل مشکین را

بشکن بهای سنبل صحرائی

نزد تو پست دست زیر دستان

مست از شراب عشق تو این مستان

چهره نما وجان همه بستان

مانند سر و قد تو در بستان

سروی نرسته است به رعنائی

باز آی باز تو ای —ولا

رحمی نما ز لطف بر این شیدا

باشد مرا بشخصی تو این سودا

ز اول نموده عشق تو ام رسوا

شادم از این فضیلت رسوائی

من غلام تو و تو آقائے
 من عبید تو و تو مولائے
 من اسیر تو و تو زیبائے
 من بفکر تو و تو دانائے
 کن نظر خسرو خوبان بر من

تو بردز سیهم چون ماهی
 تو ز درد دل من آگاهی
 تو نما یکقدمی همراهی
 تو بفریاد برس چون شاهی
 کن نظر خسرو خوبان بر من

تا کی از لحر تو من ناله زنم
 گرد رخسارهء تو هاله زنم
 اشک غم همراه با ژاله زنم
 کشم آهی وز دل ناله زنم
 کن نظر خسرو خوبان بر من (۲)

(۱): تضمین اشعار از والد معظم در دیوان
 خطی *

(۲): مؤلف *

* *

دعا

اینک چند دعای کوتاه را که مخصوص آنحضرت است
می نویسم و از خوانندگان ملتمس دعای خیر هستم .

دعا

صاحب مکیال المکارم : از بحار از حضرت صادق (ع)
روایت نموده که این دعا را بعد از هر نماز بخوانید :
اللهم صل علی محمد و آل محمد ، اللهم ان رسولك
الصادق المصدق الامین صلواتك علیه و آله ، قال : انك
قلت تبارك و تعالیت ما ترددت فی شیء انا فاعله
كترت دمی فی قبض روح عبدی المؤمن یكره الموت و انا
اكده مسائته

اللهم فصل علی محمد و آل محمد و عجل لولیک الفرج
والنصر والعافیة ولا تسونی فی نفسی ولا فی احد من
احبتی .

در فروع کافی روایت است که این دعا را هر حال و
هر وقت بخوانند ، خصوصاً در ماه رمضان ، خصوص در شب

بیست و سوم آن ، می گوئی بعد از حمد خدا و صلوات
بر خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله :

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صاحب الزمان علیه
و علی آبائه الصلوة والسلام فی هذه الساعة و فی کل
ساعة ولیاً و حافظاً و ناصرأ و دليلاً و قائداً و عیناً حتی
تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً .

در جمال الاسبوع از حضرت امام حسن عسکری علیه
السلام روایت است که باید صلوات فرستاد بر حضرت صاحب
الامر عجل الله تعالی فرجه به این کیفیت :

اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت
طاعتهم و اوجبت حقهم و اذ هبت عنهم الرجس و
طهرتم تطهیراً ، اللهم انصره و انصر به لدينک و انصر
به اولیائک و اولیاته و شیعته و انصاره و اجعلنا منهم ،
اللهم اعذه من شر کل طاغ و باغ و من شر جمیع -
خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن عینه و
عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء و
احفظ فیہ رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل و
ایده بالنصر و انصر ، ناصریه و اخذل خاذلیه و اقصم
به جبابرة الکفرة و اقتل به الکفار و المتافقین و جمیع
الملحدین حیث كانوا من مشارق الارض و مغاربها و

برها و بحرها و سهلها و جبلها و افلاء به الارض عدلاً
و اظهر به دين نبيك عليه و آله السلام ، واجعلنى ،
اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شيعته و ارنى فى
آل محمد ما يأملون و فى عدوهم ما يحذرون اله الحق
رب العالمين آمين .

